

**A Qualitative Study of the Challenges of the Presence of Girls with Early Marriage in Schools and Its Management**Parveneh Alaei¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Family Studies Department, Faculty of Education and Psychology, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran. E-mail: alaei@azaruniv.ac.ir

Article Info**Article type:**

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:*Early marriage,**Educational Regulations,**School,**Social Norms,**Thematic analysis.***ABSTRACT**

Early marriage among girls is one of the significant educational challenges in East Azarbaijan province, with wide-ranging implications for the education system and for students' individual and social development. This study aimed to investigate the social, managerial, and educational challenges associated with the presence of married female students in school using a qualitative approach and thematic analysis. Sampling was conducted purposefully among school personnel of girls' schools in Tabriz with a high rate of early marriage, and the process ended after reaching theoretical saturation after the eleventh interview. Data were collected through semi-structured interviews and analyzed using the six-step method by Braun and Clarke (2006). The categorization of 68 initial semantic codes led to the identification of three main themes and twelve sub-themes: (1) Regulations and Support Resources, including lack of regulatory clarity, dual approaches, and absence of institutional and financial support; (2) School Functional and Structural Deficiencies, such as unpreparedness of educational staff, lack of supportive facilities, and unfavorable school conditions and environment; and (3) Social and Normative Factors, particularly the normalization of early marriage. The findings indicate that an inadequate response to the educational challenges of these students can undermine their academic progress and development and negatively affect the educational quality and psychological climate for other students, facilitating the continuation of this phenomenon. Therefore, the study emphasizes revising educational strategies, strengthening institutional support, and enhancing the managerial and cultural capacities of schools to support these students and prevent early marriage in urban and rural schools of Tabriz.

Cite this article: Alaei, P. (2026). A Qualitative Study of the Challenges of the Presence of Girls with Early Marriage in Schools and Its Management. *Women in Development and Politics*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>



زن در توسعه و سیاست

مطالعه کیفی چالش‌های حضور دختران با ازدواج زودهنگام در مدارس و مدیریت آن

پروانه علائی^۱  ID

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مطالعات خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران، رایانامه: allaei@azaruniv.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت:</p> <p>تاریخ بازنگری:</p> <p>تاریخ پذیرش:</p> <p>تاریخ انتشار:</p> <p>کلیدواژه‌ها: ازدواج زودهنگام، تحلیل مضمون، مدرسه، مقررات آموزشی، هنجار اجتماعی.</p>	<p>ازدواج زودهنگام دختران یکی از چالش‌های مهم آموزشی در استان آذربایجان شرقی است که پیامدهای گسترده‌ای برای نظام تعلیم و تربیت و توسعه فردی و اجتماعی دانش‌آموزان به همراه دارد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی چالش‌های اجتماعی، مدیریتی و آموزشی مرتبط با حضور دختران دانش‌آموز ازدواج کرده در مدرسه، با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند از میان اولیای مدارس دخترانه تبریز با نرخ بالای ازدواج زودهنگام انجام گرفت و فرایند نمونه‌گیری با تحقق اشباع نظری داده‌ها در مصاحبه یازدهم پایان یافت. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از روش شش مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل شد. دسته‌بندی ۶۸ کد اولیه معنایی، به شناسایی سه مضمون اصلی و ۱۲ زیرمضمون انجامید: (۱) مقررات و منابع حمایتی شامل عدم شفافیت مقررات، رویکردهای دوگانه و فقدان حمایت نهادی و مالی؛ (۲) کاستی‌های عملکردی و ساختاری مدرسه، از جمله عدم آمادگی کادر آموزشی، فقدان امکانات حمایتی، شرایط و فضای نامطلوب مدرسه؛ و (۳) عوامل اجتماعی و هنجاری، به ویژه عادی‌سازی ازدواج زودهنگام در جامعه محلی. نتایج نشان می‌دهد مواجهه نامناسب با چالش‌های آموزشی این دانش‌آموزان، علاوه بر تضعیف فرایند تحصیلی و تربیتی آنان، می‌تواند بر کیفیت آموزشی و فضای روانی سایر دانش‌آموزان نیز اثر منفی گذاشته و زمینه بازتولید این پدیده را فراهم کند. بر این اساس، پژوهش بر ضرورت بازنگری در راهبردهای آموزشی، فرایندهای اجرایی، تقویت حمایت‌های نهادی و ارتقای ظرفیت‌های مدیریتی و فرهنگی مدارس تأکید می‌کند تا بتوان ضمن حمایت از تحصیل این دختران، از وقوع ازدواج‌های زودهنگام دانش‌آموزان در مدارس شهری و روستایی تبریز پیشگیری نمود.</p>

استناد: علائی، پ. (۱۴۰۴). مطالعه کیفی چالش‌های حضور دختران با ازدواج زودهنگام در مدارس و مدیریت آن. *زن، توسعه و سیاست*، ۴(۲)، ۲۰-۱. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

ازدواج زودهنگام^۱ یکی از پدیده‌های شایع در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به شمار می‌رود (Rahimi et al., 2023:66) که می‌تواند چالش‌های بنیادینی در نظام‌های آموزشی و اجتماعی ایجاد کند. مطابق تعریف صندوق کودکان ملل متحد^۲ هرگونه ازدواج رسمی یا غیررسمی پیش از ۱۸ سالگی، کودک‌همسری^۳ تلقی می‌شود و مخاطرات بسیاری برای سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و آموزشی آنان به دنبال دارد، به گونه‌ای که به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی جدی مورد توجه سیاست‌گذاران و نهادهای بین‌المللی است (UNICEF, 2023). با وجود کاهش تدریجی شیوع این پدیده در سطح جهانی، ازدواج کودکان همچنان گسترده است. طبق داده‌های جدید یونیسف، حدود ۱۹ درصد زنان جوان در جهان تجربه ازدواج زیر ۱۸ سال دارند و هر ساله حدود ۱۲ میلیون نفر در کودکی ازدواج می‌کنند. پایان دادن به این پدیده در چارچوب اهداف توسعه پایدار، نیازمند مداخله‌های چندبُعدی، سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و تقویت حمایت‌های آموزشی و اجتماعی است (UNICEF, 2025). در ایران نیز، علیرغم برخی اقدامات کنترلی و آگاهی‌بخشی، آمار بالایی از ازدواج زودهنگام به ویژه در مناطق روستایی و حاشیه شهرها مشاهده می‌شود. مطابق آخرین سالنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۴۰۱، بیش از ۱۴/۵ درصد از کل ازدواج‌های ثبت‌شده در ایران در سنین کمتر از ۱۸ سال انجام شده‌است؛ به گونه‌ای که سهم دختران بیش از ۲۷ درصد و سهم پسران حدود ۲ درصد بوده است (Goli et al., 2025: 84).

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد ازدواج کودکان با پیامدهای منفی قابل توجه سلامت روان همراه است؛ به طوری که افسردگی، اضطراب، پریشانی روان‌شناختی، سوء‌مصرف مواد و کاهش بهزیستی روانی شایع‌ترین پیامدها گزارش شده‌اند که اغلب در پی خشونت شریک صمیمی، انزوای اجتماعی، فقر و چالش‌های بارداری شکل می‌گیرند (Burgess et al., 2022:1). همچنین، شواهد تجربی از ارتباط معنادار ازدواج زودهنگام با افزایش خشونت شریک صمیمی، مشکلات سلامت جسمی و اختلالات روانی خبر می‌دهد (Charan et al., 2024:73)؛ کودک‌همسران با فرزندآوری زودهنگام، تعداد بیشتر تولدها، استفاده کمتر از خدمات زایمان ایمن و خشونت فیزیکی همسر مواجه‌اند (Fan and Koski, 2022:309). در حوزه آموزش نیز، ازدواج زودهنگام با افت عملکرد تحصیلی، کاهش تداوم تحصیل و افزایش ترک‌تحصیل دختران به‌ویژه در مقطع متوسطه همراه است (Bengesai et al., 2021:11). به طور کلی، ازدواج زودهنگام به‌عنوان چالشی جهانی، پیامدهایی چون بارداری ناخواسته، فقر، مشکلات تحصیلی و سلامتی، و افزایش مرگ‌ومیر مادر و کودک به دنبال دارد (Alamdo et al., 2025:2) و آثار آن فراتر از فرد، نظام خانواده، جامعه، سلامت و به‌ویژه نظام تعلیم‌وتربیت را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (Lotfi, 2010: 75).

مطالعات جهانی نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی از مهم‌ترین زمینه‌های بروز ازدواج زودهنگام هستند (Bakhtiar et al., 2024:33). بر اساس پژوهش‌های داخلی نیز، ازدواج کودکان حاصل تعامل مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی محدودکننده است که با ایجاد موانع در مسیر تحصیل و استقلال دختران، موجب ترک تحصیل، کاهش آگاهی و قدرت تصمیم‌گیری آنان شده و به تداوم و بازتولید این پدیده می‌انجامد (Bagi et al., 2025:87). ازدواج زودهنگام با تحمیل مسئولیت‌های زناشویی، بارداری و نقش‌های خانگی، به‌طور مستقیم موجب کاهش تداوم تحصیل، و نهایتاً ترک تحصیل دختران می‌شود؛ در نتیجه، فرصت‌های آموزشی برابر را تضعیف کرده و با تشدید نابرابری جنسیتی، کارکرد و اثربخشی نظام آموزش‌وپرورش را به‌طور ساختاری با چالش مواجه می‌سازد (Abbasi, 2023:1). در واقع، ترک تحصیل از علل عمده و پیامدهای اصلی ازدواج‌های زودهنگام محسوب می‌شود و شانس ادامه تحصیلات و دسترسی به آموزش عالی را به‌شدت کاهش می‌دهد. این امر از سویی محرومیت از مهارت‌ها و دانش موردنیاز برای اشتغال را در پی دارد و از سوی دیگر، توان فرد برای مشارکت آگاهانه در تصمیم‌گیری‌های شخصی و اجتماعی را محدود می‌کند (Fataei et al., 2022:106). علاوه بر ترک تحصیل، بسیاری از دختران متاهل دچار افت تحصیلی، کاهش معدل و مشارکت در فعالیت‌های آموزشی می‌شوند و در نهایت، با تأثیر منفی بر انگیزه تحصیل و کاهش اعتمادبه‌نفس علمی، چرخه فقر آموزشی را تقویت می‌کند (Ajourlo and

¹ early marriage

² UNICEF

³ child marriage

رسم ازدواج زودهنگام با دور کردن دختران از محیط مدرسه و تحمیل نقش‌های همسری، بارداری و مادری، آنان را با فقر آموزشی مواجه می‌سازد. در نتیجه، این ازدواج‌ها نه تنها نابرابری جنسیتی آموزشی را بازتولید می‌کند، بلکه با تداوم ترک تحصیل، زمینه زاننه شدن فقر و محرومیت ساختاری دختران را تقویت می‌کند (Sayyadian Barkhordar and Anbari, 2023:133). مطالعات بین‌المللی نیز دلالت بر آن دارد که کودک‌همسری، نه تنها چرخه فقر، سلامت پایین و محرومیت را در نسل‌های بعد بازتولید می‌کند، بلکه ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت را کاهش می‌دهد و با کاستن از کیفیت مدارس، مانع تحقق عدالت آموزشی می‌شود (UNESCO, 2023).

گرچه از منظر مبانی نظری، پدیده ازدواج کودکان نقض حقوق بنیادین کودک و مغایر با اصول کنوانسیون حقوق کودک است (Mourtada et al., 2017: 28) و شواهد پژوهشی بسیاری بر پیامدهای منفی آن تأکید دارند، اما بخش قابل توجهی از پژوهش‌های داخلی عمدتاً بر پیامدهای فردی و اجتماعی یا عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن متمرکز شده‌اند. در مقابل، تحلیل زیرساخت‌های سیاستی و مدیریتی نظام آموزشی در مواجهه با این پدیده، مغفول مانده‌است. این در حالی است که بر اساس ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب شورای عالی آموزش و پرورش (۱۴۰۰)، دانش‌آموزان دختری که ازدواج کرده‌اند، می‌توانند با رعایت اصول اخلاقی و شئون دانش‌آموزی، مانند سایر دانش‌آموزان به تحصیل خود در مدارس روزانه ادامه دهند (Ajourlo and Yarigholi, 2024:65). با وجود این مجوز قانونی، تقریباً هیچ پژوهش نظام‌مند و قابل اتکایی در دسترس نیست که به چگونگی حضور دانش‌آموزان ازدواج کرده در محیط‌های آموزشی بپردازد؛ اینکه چه شرایطی این حضور را امکان‌پذیر می‌سازد یا خود چه پیامدهایی را در محیط مدرسه ایجاد می‌کند. از طرفی، بررسی آمارهای مربوطه نشان می‌دهد که استان آذربایجان شرقی به‌طور مداوم در میان مناطقی با بیشترین میانگین شیوع ازدواج زودهنگام دختران قرار دارد (Bagi et al., 2025: 85) که این امر، ضرورت انجام مطالعات میدانی در این منطقه را دوچندان می‌کند؛ از این رو، با عنایت به اهمیت پیامدهای فردی و جمعی ازدواج‌های زودهنگام و خلأ موجود در مطالعات سیاستی و مدیریتی، پژوهش حاضر تلاش کرده‌است تا با رویکردی کیفی و تمرکز بر بستر بومی مرکز تبریز، به تحلیل تجربه دست‌اندرکاران مدارس بپردازد. هدف اصلی، مطالعه ابعاد مغفول راهبردی، مدیریتی، ساختاری و هنجاری حضور دانش‌آموزان ازدواج کرده در مدارس و تحلیل آثار آن بر فرایند آموزشی است تا در نهایت، راهکارهایی برای ارتقاء عملکرد نظام آموزشی در مواجهه با این آسیب ارائه گردد.

۲. پیشینه پژوهش

۲.۱. ملاحظات نظری

تعریف مفهومی: ازدواج کودکان شامل تمام پیوندهایی است که پیش از سن ۱۸ سالگی انجام می‌شود و واژه زودهنگام بر رقابت این پیوندها با تحصیل، رشد، و اشتغال دختران تأکید دارد (ECLAC, 2022: 11). از دیدگاه یونیسف^۱، ازدواج کودکان نقض آشکار آشکار حقوق انسانی، آموزشی و اجتماعی آنان است و به عنوان رفتاری زیان‌بار شناخته می‌شود که حال و آینده دختران را به خطر می‌اندازد. بنا به تأکید شورای حقوق بشر سازمان ملل، ازدواج زودهنگام و اجباری نوعی سوءاستفاده و مانع بهره‌مندی از حقوق بشر، به‌ویژه حق آموزش و سلامت جنسی و باروری است (UNICEF, 2025). این ازدواج‌ها معمولاً با مردانی بزرگ‌تر و برخوردار شکل می‌گیرند و دختران را در موقعیت‌های نابرابر و گاه خشونت‌آمیز قرار می‌دهند. هرچند بسیاری از دختران با تصور بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی وارد این روابط می‌شوند، اما ازدواج زودهنگام عملاً مانع ادامه تحصیل، کسب مهارت‌های ضروری و شکل‌گیری هویت مستقل شده و اعتمادبه‌نفس و توان تصمیم‌گیری آنان را تضعیف می‌کند (Farahmand et al., 2021:141)؛ حتی با دسترسی دانش‌آموز ازدواج کرده به آموزش و مهارت‌های زندگی، مسئولیت‌های زودهنگام مادری و توزیع نابرابر مراقبت، مشارکت آنان را به مشاغل کم‌درآمد، ناایمن و غیررسمی محدود می‌کند (Harrison, 2023:11). این محدودیت‌های فردی، در سطح کلان با افزایش باروری و کاهش مشارکت اقتصادی زنان به بازتولید و تداوم فقر، کاهش مشارکت و بهره‌وری نیروی کار زنان و تداوم آسیب‌پذیری اقتصادی ناشی از ازدواج کودکان منجر می‌شود؛ از این رو، پایان دادن به

¹ United Nations International Children's Emergency Fund (UNICEF)

ازدواج زودهنگام نه تنها ضرورتی حقوق بشری و جنسیتی، بلکه سرمایه‌گذاری مؤثری برای توسعه پایدار و رفاه اجتماعی به شمار می‌آید (World Bank & ICRW^۱, 2017) و پایان دادن به آن تا سال ۲۰۳۰ از اهداف توسعه‌ی پایدار سازمان ملل (SDGs) تعیین شده است (UNICEF, 2019).

وضعیت آماری: اگرچه ازدواج زودهنگام هر دو جنس را درگیر می‌کند، اما شیوع آن در میان دختران به مراتب بالاتر است. بر اساس آمار یونسف، حدود ۱۹ درصد دختران و ۳ درصد پسران تجربه ازدواج در سنین پایین را دارند و آفریقا و جنوب آسیا مهم‌ترین کانون‌های این پدیده به شمار می‌روند. در حال حاضر حدود ۶۵۰ میلیون دختر و زن در جهان پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند و با وجود کاهش متوسط سالانه ۱/۹ درصدی در دهه اخیر، هیچ منطقه‌ای به روند لازم برای حذف کامل این پدیده تا سال ۲۰۳۰ دست نیافته و تحقق آن هنوز دور از دسترس است (UNICEF, 2019)؛ برای رسیدن به این هدف، باید نرخ کاهش ازدواج کودکان دست‌کم ۲۰ درصد در سال برسد که نیازمند شتابی دوازده برابری نسبت به وضعیت فعلی است. این ضرورت، بازنگری جدی و اساسی در سیاست‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی جهت پیشگیری از ازدواج زودهنگام و توانمندسازی دختران را به طور شفاف برجسته می‌کند (UNFPA & UNICEF, 2023:16). در ایران، با وجود تلاش‌های مدنی و برخی مداخلات سیاستی، ازدواج زودهنگام همچنان یک مسئله اجتماعی نگران‌کننده است. اگرچه سن جهانی ازدواج ۱۸ سال تعیین شده، ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران حداقل سن ازدواج را برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۵ سال مقرر کرده و امکان ازدواج در سنین پایین‌تر با اذن ولی و حکم دادگاه را نیز فراهم می‌سازد (Koochi, 2019:134). داده‌های سرشماری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۸ حدود ۱۰/۲۳ درصد ازدواج‌ها مربوط به زیر ۱۵ سال و بر اساس معیارهای بین‌المللی، ۲۹/۱۷ درصد مربوط به زیر ۱۸ سال بوده‌است (Sattari sefidan jaded et al., 2023:98)، اگرچه ازدواج در سنین ۱۰-۱۴ سال کاهش یافته، اما در گروه سنی ۱۵-۱۹ سال، به‌ویژه در مناطق روستایی، روندی افزایشی داشته است؛ اما با وجود افزایش میانگین سن ازدواج زنان، ازدواج زودهنگام همچنان قابل توجه است و حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد از دختران ۱۰ تا ۱۹ ساله تجربه ازدواج دارند (Azimi, 2020:97). استان آذربایجان شرقی از نظر شیوع ازدواج زودهنگام و طلاق (به‌ویژه در گروه سنی ۱۰ تا ۱۴ سال) در جایگاه دوم کشور قرار دارد و همواره از استان‌های با نرخ بالا بوده‌است (Koochi, 2019:129)؛ مسئله‌ای که زنگ خطر جدی برای سیاست‌گذاران محسوب می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام در این استان پدیده‌ای چندبعدی و ریشه‌دار است که حاصل تلاقی فقر، فرهنگ سنتی و محدودیت‌های اجتماعی محسوب شده و حاصل ترکیب عواملی چون فقر و فشار مالی خانوار، باورهای سنتی و آداب‌ورسوم غلط، سرمایه فرهنگی پایین و سطح تحصیلات اندک والدین، ناآگاهی درباره رشد نوجوانی، برداشت‌های سنتی از دین، ساختارهای مردسالارانه و تبعیض جنسیتی است؛ همچنین نگرش مبتنی بر هزینه-فایده والدین، نگرانی از افزایش سن دختر یا حفظ آبرو و ترس از آسیب‌های اجتماعی، از عوامل تشدیدکننده کودک‌همسری به شمار می‌آیند (Koochi, 2019:156).

پیشینه نظری: گرچه در ادبیات پژوهش، نظریه‌های اندکی درباره ازدواج‌های زودهنگام از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است، با این حال مطابق با سنت پژوهش‌های کیفی، نمی‌توان یک نظریه یا نظریه‌های مشخص را به‌عنوان چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده مبنای پژوهش قرار داد (Mirhosseini and Ashouri, 2023:14). چنین رویکردی می‌تواند موجب سوگیری ذهنی پژوهشگر شده و فرایند تفسیر داده‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، ارجاع به نتایج پژوهش‌های مشابه و نظریه‌های مرتبط می‌تواند در مرحله نتیجه‌گیری و تبیین یافته‌ها سودمند باشد. پژوهش حاضر نیز با توجه به ماهیت کیفی خود، از این رویکرد پیروی کرده است؛ بدین معنا که اگرچه نظریه‌ای به‌عنوان چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده مبنای تحلیل قرار نگرفته، تلاش شده است با ارائه‌ای مختصر از نظریه‌های مرتبط با موضوع ازدواج زودهنگام، فرایند تبیین و تحلیل یافته‌ها تقویت شود. در نظریه مدرنیزاسیون^۲ ویلیام گود^۳، سن ازدواج افراد با میزان مدرنیزاسیون جامعه رابطه مستقیم داشته و گسترش آموزش،

^۱ International Center for Research on Women

^۲ Sustainable Development Goals

^۳ modernization

^۴ William Good

شهرنشینی، اشتغال زنان و تغییر ساختار نیروی کار موجب افزایش سن ازدواج می‌شود. در جریان مدرنیزاسیون، خانواده از الگوی خانواده گسترده و خویشاوندمحور به خانواده هسته‌ای و فردمحور تغییر می‌یابد و تصمیم‌گیری درباره ازدواج بیشتر به انتخاب فردی واگذار شده و ازدواج در سنین بالاتر را تقویت می‌کند (Nikkhah et al., 2017:102-103). در نظریه مبادله، انسان همواره در پی بیشینه‌سازی پاداش‌ها و کاهش هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی است و تصمیم‌گیری برای ازدواج به‌مثابه نوعی سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود که در آن هزینه‌ها و منافع در طول زمان سنجیده می‌شوند. در جوامع سنتی و کمتر توسعه‌یافته، دختران گاه به‌عنوان بار اقتصادی تلقی می‌شوند و در شرایط فشار معیشتی و تقاضای زیاد برای ازدواج، برخی خانواده‌ها با هدف کاهش هزینه‌ها به ازدواج زود هنگام دختران گرایش می‌یابند؛ امری که به افزایش پدیده پیش‌رسی ازدواج منجر می‌شود (Ahmadi et al., 2015:83-84).

در نظریه‌های فمینیستی، ازدواج کودکان محصول فرایند جامعه‌پذیری در بستر فرهنگ و ایدئولوژی مردسالارانه است که زنان را به اطاعت، خانه‌نشینی و پذیرش نقش‌های سنتی سوق می‌دهد. در این چارچوب، تربیت دختران بر اساس ویژگی‌هایی چون مطیع‌بودن، کم‌رویی و تابع‌بودن، زمینه‌ساز پذیرش ازدواج زود هنگام و تسلیم در برابر تصمیم خانواده می‌شود. نظریه‌های فمینیستی تأکید دارند که هرچه نابرابری جنسیتی با عواملی مانند فقر اقتصادی، بی‌سوادی والدین، جمعیت بالای خانواده، فقر فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی همراه شود، احتمال گرایش والدین به ازدواج زود هنگام فرزندان افزایش می‌یابد (Rahimi et al., 2023:73). ایگلی^۱ با طرح نظریه نقش اجتماعی^۲، تفاوت‌های رفتاری زنان و مردان را حاصل تعامل عوامل تکاملی، زیستی، فرهنگی و فرآیندهای جامعه‌پذیری می‌داند. بنابراین، تقسیم نقش‌های جنسیتی و انتظارات اجتماعی موجب می‌شود زنان بیشتر به رفتارهای همیارانه، مراقبتی و جمع‌گرایانه و مردان به رفتارهای رقابتی، فردگرایانه و ریسک‌پذیر گرایش یابند. این تفاوت‌ها نه ذاتی، بلکه نتیجه درونی‌سازی کلیشه‌های جنسیتی و تطابق با نقش‌های اجتماعی مورد انتظار هستند که از کودکی بازتولید می‌شوند (Azadeh and Arami, 2016:15). بدین ترتیب، ازدواج زود هنگام نه تنها پیامد نقش‌های اجتماعی جنسیتی است، بلکه خود به سازوکاری برای تثبیت و بازتولید این نقش‌ها در نسل‌های بعدی تبدیل می‌شود.

در نظریه نظام‌ها، خانواده به‌عنوان یک نظام اجتماعی در تعامل مستمر با سایر نظام‌های جامعه از جمله مدرسه، دین، اقتصاد، سیاست و فرهنگ قرار دارد و مسائل خانوادگی را نمی‌توان صرفاً در سطح فرد یا خانواده تحلیل کرد. در این چارچوب، ازدواج زود هنگام کودک نه یک تصمیم شخصی، بلکه پیامد کنش متقابل نظام‌های گوناگون اجتماعی است که می‌تواند به افزایش یا کاهش این پدیده بینجامد و تحلیل روابط میان آن‌ها می‌تواند به درک عمیق‌تر و جامع‌تری از ابعاد این پدیده کمک کند (Eftekharzade, 2015:118). در جوامعی که الگوی خانواده گسترده غالب است، به دلیل تقسیم مسئولیت‌های تربیتی میان اعضای خانواده، سن ازدواج معمولاً پایین‌تر است. در مقابل، در جوامع مبتنی بر خانواده هسته‌ای، ازدواج تا زمان کسب توانایی پذیرش مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی به تأخیر می‌افتد. از این‌رو، سن ازدواج تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده و با متغیرهایی چون تحصیلات، محل سکونت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی ارتباط دارد. نظریه‌های اجتماعی خانواده بر این باورند که ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی-اجتماعی خانواده، بیش از عوامل عینی و بیرونی، بر الگوهای ازدواج زود هنگام در جوامع سنتی تأثیرگذارند. هر کودک در بستر یک محیط فرهنگی و اجتماعی خاص متولد می‌شود و از طریق فرآیندهای جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و انتظارات خانواده را درونی می‌کند؛ ارزش‌هایی که سبک زندگی او، از جمله زمان و شیوه ازدواج را شکل می‌دهند. این الگوهای فرهنگی نسبتاً پایدار بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و بدین‌سان به بازتولید ازدواج زود هنگام می‌انجامد (Rahimi et al., 2023:74-75).

این‌گلهارت^۳ در نظریه نوسازی یا دگرگونی ارزشی^۴، به بررسی رابطه متقابل میان تحولات اقتصادی - اجتماعی و تغییرات فرهنگی - ارزشی در جوامع پرداخته و نشان می‌دهد که با گذار جامعه از ناامنی اقتصادی به امنیت نسبی، ارزش‌ها به‌صورت

¹ Eagly

² Social Role Theory

³ Inglehart

⁴ Modernization Theory

تدریجی و نسلی از مادی، که مبتنی بر حفظ بقا و امنیت‌اند، به فرامادی، که ناظر بر آزادی، خودابرازی و کیفیت زندگی‌اند، تغییر می‌کند (Zahirinia and Azadarmaki, 2015:142)؛ او این تغییر را با دو فرضیه اصلی کمیابی (تأکید بر بقا در شرایط کمبود) و اجتماعی‌شدن (تأثیر امنیت اقتصادی دوران بلوغ بر ترجیحات نسلی) تبیین می‌کند، که این دگرگونی شامل تغییراتی در نهاد خانواده، کاهش نرخ زاد و ولد و تضعیف ارزش‌های سنتی و مذهبی می‌شود (Heidarabadi et al., 2018:76). بر پایه این نظریه، ازدواج زودهنگام حاصل تداوم ارزش‌های مادی‌محور و ناامنی اقتصادی است که مانع گسترش ارزش‌های فرامادی چون استقلال، تحصیل‌محوری و برابری جنسیتی در جوامع می‌شود.

از نظر برونفن‌برنر^۱ در نظریه سیستم‌های اجتماعی^۲، رفتار و رشد کودکان در بستر نظام‌های در هم‌تنیده‌ای از فرد تا جامعه کلان شکل می‌گیرد؛ یعنی آنچه در میکروسستم^۳ (خانواده، مدرسه)، مزوسستم^۴ (ارتباط خانه و مدرسه)، اگزوسستم^۵ (سیاست‌ها و مقررات آموزشی)، ماکروسستم^۶ (فرهنگ، باورها و ارزش‌های اجتماعی) و کرونوسستم^۷ (تحولات تاریخی و زمانی) اتفاق می‌افتد، همگی در تجربه زیسته کودک نقش دارند (Sadownik, 2023: 84).

نظریه یادگیری اجتماعی^۸ بندورا^۹ می‌گوید یادگیری از طریق مشاهده^{۱۰} و الگوبرداری صورت می‌گیرد؛ یعنی مشاهده رفتار دیگران و پیامدهای آن، درونی‌سازی این الگو و بازتولیدش. فرایند یادگیری مشاهده‌ای شامل چهار مرحله‌ی توجه، حفظ، بازتولید و انگیزش است و تحقق آن به عوامل متعددی وابسته است. الگو شدن یک فرد زمانی محتمل‌تر است که الگو دارای جذابیت، قدرت، مهارت، موفقیت یا منزلت اجتماعی باشد و با مشاهده‌گر از نظر سن، جنس یا موقعیت اجتماعی تشابه داشته باشد؛ در مقابل، الگوبرداری زمانی تقویت می‌شود که پیامد رفتار الگو مثبت باشد (تقویت‌جانشینی) و فرد مشاهده‌گر از خودکارآمدی کافی برای اجرای آن رفتار برخوردار باشد. بدین ترتیب، یادگیری رفتاری حاصل تعامل پویا میان فرد، محیط اجتماعی و فرایندهای شناختی است (Schultz and Schultz, 2000:455-476).

از نظر سنجه^{۱۱} و نظریهٔ مدرسه به‌مثابه سازمان یادگیرنده^{۱۲} مدارس همچون یک سازمان پویای یادگیرنده عمل می‌کند که نه‌تنها محل انتقال دانش است، بلکه باید محیطی برای رشد، توسعه و یادگیری مستمر تمامی اعضا شامل معلمان، مدیران و دانش‌آموزان فراهم آورد. سازمان یادگیرنده با تکیه بر توانمندسازهایی چون رهبری اثربخش، استراتژی‌های یادگیرنده‌محور، منابع انسانی، فناوری اطلاعات و محیط حمایتی شکل می‌گیرد. رهبر در سازمان یادگیرنده نقش طراح، معلم و خدمتگزار را دارد و با ایجاد چشم‌انداز مشترک، زمینه یادگیری مستمر را فراهم می‌کند. ارزیابی دقیق برنامه‌ها و مشارکت کارکنان از عوامل کلیدی تحقق یادگیری سازمانی هستند (Ershadi, 2021: 96).

بر اساس نظریه هنجارهای اجتماعی^{۱۳} سیالدینی و تروست^{۱۴}، رفتار افراد بر اساس انتظارات مشترک و قواعد غیررسمی جامعه شکل می‌گیرد که از طریق جامعه‌پذیری در خانواده، مدرسه و گروه همسالان منتقل می‌شوند. هنجارها با تعیین رفتارهای مقبول و نامطلوب، انسجام اجتماعی را حفظ کرده و رفتارها را پیش‌بینی‌پذیر می‌سازند؛ به‌گونه‌ای که پایبندی به آن‌ها موجب پذیرش اجتماعی و تخطی از آن‌ها با سرزنش یا طرد همراه است. تمایز میان هنجارهای توصیفی (آنچه رایج است) و هنجارهای تجویزی یا دستوری (آنچه باید انجام شود) برای فهم کنش جمعی اهمیت دارد، زیرا رفتار افراد به‌شدت تحت تأثیر ادراک آن‌ها از این دو

¹ Bronfenbrenner

² Ecological Systems Theory

³ microsystem

⁴ mesosystem

⁵ exosystem

⁶ macrosystem

⁷ chronosystem

⁸ Social Learning Theory

⁹ Bandura

¹⁰ Observational Learning

¹¹ Senge

¹² School as a Learning Organization

¹³ Social Norms Theory

¹⁴ Cialdini & Trost

نوع هنجار است؛ هرچه یک رفتار در جامعه رایج تر یا مطلوب تر تلقی شود، احتمال تبعیت فرد از آن افزایش می‌یابد. تغییر هنجارها معمولاً به صورت تدریجی و در پی تحولات فرهنگی و اقتصادی رخ می‌دهد (Surtichi et al., 2024:3). در نظریه انتقال فرهنگی^۱ کلینبرگ^۲، فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و باورهاست که نه از طریق وراثت زیستی، بلکه از راه آموزش و یادگیری اجتماعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. این انتقال ممکن است مستقیم باشد، مانند آموزش در خانواده و مدرسه، یا غیرمستقیم از طریق مشاهده و تقلید رفتار دیگران؛ رفتارهای اجتماعی، چه هم‌نوا و چه منحرف، حاصل همین فرایند یادگیری و سرایت فرهنگی‌اند و نه ویژگی‌های فردی یا ژنتیکی (Ghanadan et al., 1997:82-84).

۲.۲. پیشینه تجربی

در ادامه، به شواهدی تجربی مرتبط با موضوع ازدواج زود هنگام اشاره شده است:

جدول ۱: پیشینه پژوهشی

پژوهشگر	پیش‌آیندها	پیامدها	تاکیدها و ملاحظات
Alaei (2025:269)	عوامل خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، فردی و مدرسه‌ای؛	آشفته‌گی تحصیلی و ترک تحصیل، فشار تراکم نقش‌ها، و مشکلات جسمی و روانشناختی؛ کاهش سرمایه انسانی، تداوم فقر و بازتولید نگرش سنتی	راهکارهای چندسطحی (فرد، خانواده، مدرسه، جامعه، سیاست‌گذاری)؛ تاکید بر توانمندسازی تحصیلی و افزایش سرمایه فرهنگی خانواده‌ها
Nosratikhah et al (2025:101)	نگرش مردسالارانه، تفسیر سنتی دین، ضعف حمایت قانونی	افزایش تمایل به ازدواج زود هنگام	آموزش، آگاهی‌بخشی و اصلاح سیاست‌های حمایتی
Kabiri and Valaei (2025:153)	فقر، رسوم محلی، نگرش جنسیت‌زده، فضای مجازی، ناپایداری خانواده، رشد جسمی زودرس	خشونت، ناتوانی در تصمیم‌گیری، دخالت خانواده‌ها، فرار از زندگی مشترک، طلاق، ناتوانی در ایفای مسئولیت‌های زناشویی، آسیب‌های سلامت و بارداری‌های ناخواسته، بی‌ثباتی خانواده و روستا	
Mortezaazadeh et al (2024:204)	اقتدارگرایی و خشونت والدین، فقر، تعصبات مذهبی، آداب و رسوم اجتماعی	آسیب جسمی، خانوادگی، اجتماعی، روحی، روانی و فردی	راهبردهای اقتصادی و دینی، آموزش دانش جنسی و مهارت‌های اجتماعی و روانشناختی
Khodomoradi and Mirzaei (2025:355)	نادیده‌گرفتن رؤیاهای و علایق دختران	از دست رفتن کودکی و رشد اجتماعی، حذف مسیر تحصیل، اشتغال و مهارت	
Afrasiabi et al (2024:49)	پدرسالاری فرهنگی، هنجار ازدواج زود هنگام، تنگنای روستایی، بزرگسالی نمایشی، نارضایتی انباشته، محدودیت اجتماعی و عدم اولویت تحصیل	اولویت ازدواج بر تحصیل، نارضایتی انباشته و بازتولید ازدواج کودکان	تغییر هنجارهای فرهنگی و بازتعریف خوشبختی
Afshari et al (2024:15)	بارداری زودرس، فشار فرهنگی، مسئولیت خانوادگی	ترک تحصیل، مشکلات جسمی و روانی، و محدودیت‌های اجتماعی؛ بازتولید چرخه‌ای از محرومیت آموزشی و فقر دانشی	حمایت آموزشی از دختران متأهل
Ajourlo and Yarigholi (2024:61)		تضعیف سرمایه فرهنگی، محدود شدن استقلال شخصی و شغلی، و ضعف ساختار آموزشی	تحصیل به‌عنوان ابزار پیشگیری و قربانی اصلی
Ashayeri et al (2024:133)	فقر فرهنگی و باورهای سنتی	محرومیت آموزشی و بازتولید ناآگاهی و چرخه فقر آموزشی و اجتماعی	

¹ Cultural Transmission Theory

² Klineberg

کودک‌مادری، خشونت جنسی، ترک تحصیل	حذف جامعه‌پذیری، تحکم مردانه	Abbaszadeh et al (2025:156)
افت کیفیت زندگی، مشکلات جسمی - روحی و انزوای اجتماعی	فقر، هنجارهای فرهنگی، آسیب‌پذیری روانی و ضعف دسترسی به آموزش	Ghareh hasanlou and khosh sorat movafagh (2024:229)
بزرگ‌سالی زودرس، سلب سوزه‌گی زنان، محدود شدن به فضای خصوصی، ناسازگاری نقش‌ها و تضعیف منزلت اجتماعی	سلطه خانوادگی، نبود چشم‌اندازی غیر از ازدواج، ارزش‌های عرفی و مذهبی، فروپاشی خانواده، شبکه‌های اجتماعی و انعطاف‌پذیری قوانین	Sabzehei and Kokabi Zaker (2024:33)
قطع مسیر تحصیلی، حذف رشد اجتماعی	فشارهای خانوادگی، سنتی و رسانه‌ای	Rahimi et al (2023:57)
ترک مدرسه، کودک‌مادری، طلاق نوجوانی	فقدان صدا و عاملیت آموزشی	Enayat and Zare (2023:135)
فشار روانی نقش‌های چندگانه، انزوای اجتماعی و تداوم سنت ازدواج زودهنگام	مردسالاری روستایی، بی‌اهمیتی تحصیل دختران، فرهنگ و رواج ازدواج زودهنگام	Majdi et al (2023:197)
توقف رشد فردی، آموزشی و اجتماعی، حمایت روانی-آموزشی در مدارس	ناسازگاری، وابستگی و تمرکز بر نقش‌های مادری و همسری	Sattari sefidan jaded et al (2023:97)
افزایش ازدواج کودکان	فشار فرهنگی، ازدواج خویشاوندی و نفوذ بستگان، تحصیلات پایین	Pourabbasi et al (2023:179)
نقش محافظتی تحصیل و اشتغال به تحصیل	شیوع بالاتر ازدواج زودهنگام	Teimouri Arshad et al (2023:599)
افت سلامت، مشکلات زناشویی، انزوای اجتماعی، ترک تحصیل	ازدواج در سن پایین	Alibazi et al (2023:147)
افت تحصیلی و ترک مدرسه، بی‌مهارتی ارتباطی		Zareei and Zarei (2021:12)
تثبیت ازدواج کودکان و محرومیت آموزشی	بلوغ زودرس، مردسالاری، تعصبات مذهبی، موقعیت جغرافیایی، خانواده آشفته	Hajilou et al (2022:103)
مشکلات اقتصادی، طلاق، ترک تحصیل، پایین بودن مهارت‌ها و مخاطرات سلامت	عوامل اجتماعی (تأیید خواستگار، اجبار، ترس از بی‌آبرویی و نابسامانی خانوادگی)، اجتماعی-روانی (ترس از مجرد و فرار از تنش‌های خانوادگی)، روانی (وابستگی عاطفی پیش از ازدواج) و فیزیولوژیک (آمادگی جسمی و نیاز جنسی)، آداب و رسوم فامیلی و باورهای مذهبی	Omrani Nejad et al (2021:45)
مداخلات آموزشی برای تداوم تحصیل	افت نگرش و عملکرد تحصیلی	Hosseinyfar and akbari (2020:123)
آموزش رسمی به‌عنوان عامل بازدارنده	کاهش شدید ازدواج زیر ۱۸ سال محرومیت آموزشی، از دست دادن فرصت‌های شغلی، مشکلات سلامتی و خشونت	Fitria et al. (2024:1)
الزام قانونی ۱۲ سال تحصیل	سنت فرهنگی و فقر اقتصادی	Suyanto et al. (2023:71)
تداوم ازدواج کودکان	باورهای فرهنگی و مذهبی مربوط به حفظ شرافت خانواده و هنجارهای اجتماعی، فقر و ناپایداری اقتصادی، دسترسی محدود به آموزش، و ضعف در اجرای قوانین حداقل سن ازدواج	Nur et al. (2024:216)
شیوع بالای ازدواج کودکان	روستایی‌بودن، فقر، تحصیلات پایین و	Naik et al. (2024:1)

دسترسی محدود به رسانه‌های جمعی	نگرش مثبت به ازدواج زود هنگام،	پایین و روستائینی	Abdurahman et al. (2023:1)
افزایش قصد ازدواج زود هنگام	پیروی از هنجار اجتماعی غالب و ترس از پیامدهای عدم پیروی، تحصیلات	فقر، تحصیلات پایین، روستائینی و دسترسی محدود به اطلاعات رسانه‌ای	Berliana et al. (2018:1)
آگاهی بخشی و آموزش	ازدواج زود هنگام	ازدواج زود هنگام زنان	Delprato et al. (2015:42)
اجبار به حضور در مدرسه به عنوان سیاست آموزشی برای تعویق ازدواج	کاهش سال‌های تحصیل و سوادآموزی		

بر اساس یافته‌ها، تحصیلات متوسطه مهم‌ترین عامل محافظتی در برابر ازدواج کودکان است؛ به طوری که ماندن بیشتر در دوره متوسطه احتمال ازدواج زود هنگام را کاهش می‌دهد (Harrison, 2023:6)، در حالی که ترک تحصیل ارتباط مستقیمی با آن دارد و پیامدهای عاطفی و محرومیت از خدمات آموزشی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه دارد که فرصت استقلال و تصمیم‌گیری آگاهانه را سلب کرده و نهایتاً آنان را به نیروی کار خانگی و باروری تقلیل می‌دهد (Alamdo et al., 2025: 5). با این وجود، پژوهش‌های گسترده درباره ازدواج کودکان (جدول ۱)، عمدتاً بر پیشایندها و پیامدهای کلی تمرکز داشته و به ترک تحصیل فقط به عنوان بخشی از این پیامدها اشاره می‌کنند. اما پژوهش‌هایی که به تجربه حضور و مدیریت تحصیلی دانش‌آموز ازدواج کرده در مدرسه بپردازند، اندک‌اند؛ لذا پژوهش حاضر تلاش می‌کند با واکاوی چالش‌های تحصیلی این گروه، در راستای تداوم تحصیل آن‌ها به عنوان اصلی‌ترین راهکار پیشگیری علمی گامی بردارد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون^۱ انجام شد تا چگونگی حضور دانش‌آموزان با ازدواج زود هنگام در مدارس دخترانه تبریز از منظر ذی‌نفعان آموزشی تبیین شود. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ نفر از کادر مدارس شهری و روستایی گردآوری شد:

جدول ۲: مشخصات مشارکت‌کنندگان

ردیف	تحصیلات	سمت شغلی	سابقه	نوع مدرسه	محیط مدرسه
۱	کارشناسی ارشد	مدیر	۲۵	متوسطه	شهری
۲	کارشناسی ارشد	مشاور	۷	متوسطه	روستائی
۳	کارشناسی	معاون	۱۲	متوسطه	شهری
۴	کارشناسی ارشد	مدیر	۲۳	متوسطه	روستائی
۵	دیپلم	معلم	۲۹	متوسطه	روستائی
۶	کارشناسی	مدیر	۱۴	دبستان	روستائی
۷	کارشناسی ارشد	مدیر	۱۸	دبستان	شهری
۸	دانشجوی دکتری	مدیر	۸	هنرستان	شهری
۹	کارشناسی	معاون	۱۳	هنرستان	شهری
۱۰	کارشناسی	مدیر	۱۹	هنرستان	شهری
۱۱	کارشناسی ارشد	مدیر	۲۱	متوسطه	روستائی

ابتدا از لیست رسمی مدارس با شیوع بالای ازدواج زود هنگام که توسط امور بانوان و معاونت پژوهشی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی ارائه شده بود، مدارس موردنظر برحسب نوع (دبستان/دبیرستان/هنرستان) و مکان (شهری/روستائی) آن انتخاب، و هماهنگی انجام گرفت؛ به این ترتیب نمونه‌گیری به شیوه هدفمند^۲ و با حداکثر تنوع انجام شد. داشتن حداقل ۵ سال سابقه حضور و تجربه مستمر در مدرسه انتخابی، مواجهه مستقیم و ملموس با چالش‌های ازدواج زود هنگام

^۱ Thematic Analysis

^۲ purposeful sampling

دانش‌آموزان، تمایل به همکاری و رضایت آگاهانه از ملاک‌های ورود مشارکت‌کنندگان به پژوهش بود. مصاحبه‌ها در محیط مدرسه و به صورت انفرادی به مدت ۴۵ تا ۷۵ دقیقه (تقریباً ۷۳۰ دقیقه)، با رعایت اصول اخلاقی و تا اشیاع نظری داده‌ها^۱ ادامه یافت؛ یعنی زمانی که دیگر اطلاعات جدیدی بدست نیامد. ضبط صوتی مصاحبه‌ها برای دقت در انتقال مطالب انجام گرفت؛ هرچند در جریان برخی جلسات، مشارکت‌کنندگان ترجیح دادند بخش‌هایی از اظهارات آنان مستقیماً مکتوب شود. راهنمای مصاحبه شامل سؤالات باز در خصوص تجربه مواجهه با ازدواج زودهنگام، چالش‌های سیاستی و مدیریتی، نقش مدارس و اثرات اجتماعی و آموزشی این پدیده بود؛ گفت‌وگوها ابتدا به زبان ترکی آذربایجانی انجام و سپس کلمه‌به‌کلمه به فارسی برگردانده شد. برای افزایش اعتبار داده‌ها، بازبینی متون توسط برخی مشارکت‌کنندگان انجام گرفت. متن نهایی فارسی به‌عنوان مبنای تحلیل کیفی مورد استفاده قرار گرفت.

داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل شش مرحله‌ای براون و کلارک^۲ (۲۰۰۶) تحلیل شد. بدین منظور، ابتدا پژوهشگر با مطالعه مکرر متن مصاحبه‌ها نسبت به آشنایی عمیق با داده‌ها اقدام نمود. سپس واحدهای معنایی شناسایی و کدگذاری اولیه (۶۸ کد) انجام شد. در ادامه، کدهای مشابه در قالب مضامین فرعی و مضامین اصلی گروه‌بندی شده و مضمون کلیدی استخراج گردید. به منظور افزایش اعتبار و باورپذیری^۳ یافته‌ها، فرایند بازخوانی مکرر داده‌ها، ارزیابی و بازبینی بخشی از کدگذاری‌ها و مضامین توسط یک همکار پژوهشی کیفی کار با هدف کاهش سوگیری فردی و افزایش قابلیت اتکا^۴، و همچنین بازگشت مضامین و برداشتهای اصلی به برخی مشارکت‌کنندگان^۵ جهت تأیید یا اصلاح نتایج، صورت پذیرفت. علاوه بر این، پژوهشگر با مستندسازی گام به گام کدگذاری و تحلیل‌ها، امکان ارزیابی و تأییدپذیری^۶ یافته‌ها را فراهم ساخت. اجرای این فرایندها جهت اعتباربخشی^۷ انجام، و موجب ارتقاء اعتبار، قابلیت اتکا و تأییدپذیری نتایج شد. رویکرد پژوهش بر بازنمایی واقعیت‌های تجربه‌شده مدیران، معاونان و معلمان مدارس درباره پدیده ازدواج زودهنگام و شیوه‌های مواجهه با آن تأکید دارد.

۴. یافته‌های پژوهش

در تحلیل داده‌ها مضامین زیر شناسایی شد.

جدول ۳: مضامین شناسایی شده

مضمون کلان	مضامین اصلی	مضامین فرعی
راهبردهای آموزشی	مقررات و منابع حمایتی	عدم شفافیت مقررات آموزشی رویکردهای دوگانه و متناقض فقدان حمایت نهادی و مالی
فرایندهای اجرایی	کاستی‌های عملکردی و ساختاری مدرسه	مدیریت دانش‌آموزان متأهل محدودیت محتوای آموزشی محیط فیزیکی نامناسب و فضای بی‌نشاط مدرسه نارضایتی و انفعال بدنه آموزش کمبود خدمات مشاوره‌ای و حمایتی موقعیت و ساختار مدرسه
تعاملات آموزشی	عوامل اجتماعی و هنجاری	انتقال تجربیات و اثرگذاری متأهلین تغییر هنجار مدرسه و آمارسازی

¹ data saturation

² Braun & Clarke

³ credibility

⁴ dependability

⁵ member check

⁶ confirmability

⁷ trustworthiness

مضمون اصلی اول: مقررات و منابع حمایتی

یافته‌ها نشان می‌دهد فقدان یا ابهام در مقررات مؤثر، ضعف اجرایی، و نبود حمایت نهادی از مهم‌ترین موانع پیشگیری از ازدواج زودهنگام و حمایت از دانش‌آموزان متأهل است. این وضعیت ناشی از کمبود قوانین بازدارنده، نبود راهبردهای اجرایی آموزشی یکپارچه و عدم تخصیص منابع و حمایت نهادی کافی بوده و موجب کاهش توان مدارس در مواجهه مؤثر با این پدیده شده است.

۱. عدم شفافیت مقررات آموزشی: تقریباً تمامی مدیران و معلمان بر نبود قانون صریح برای منع ازدواج زیر ۱۸ سال و کم‌رنگ بودن الزام قانونی به ادامه تحصیل تا پایان دبیرستان تأکید داشتند. این خلأ قانونی، مدارس را در برابر پدیده ازدواج زودهنگام و ترک تحصیل دانش‌آموزان متأهل، عملاً بدون ابزار بازدارنده و حمایتی رها کرده است. همان‌طور که یکی از مدیران دبیرستان شهری بیان داشت: «قانونی برای منع ازدواج دختر زیر ۱۸ سال نداریم، مدرسه هیچ ابزاری برای مخالفت یا حداقل حمایت از ادامه تحصیل ندارد» و یا به گفته یک مدیر دیگر: «دولت باید قانونی را در نظر بگیرد که به هیچ عنوان و بدون هیچ استثنایی دختر قبل از ۱۸ سالگی ازدواج نکند. این گونه، حرف و حدیث هم ایجاد نمی‌شود، وقتی قانون وجود دارد دیگر نمی‌توانند بگویند ۱۳ ساله شد، ۱۴ ساله شد ازدواج نکرد حتماً این دختر ایراد دارد... به صورت کلی اجبار تحصیل تا دیپلم و منع ازدواج تا قبل از ۱۸ سالگی»؛ به نقل از مدیر هنرستانی: «الزام قانونی برای ادامه تحصیل تا دیپلم وجود ندارد و بعد از پایه ششم، هر کسی ازدواج کند، به راحتی اجازه ترک مدرسه را دارد» و مشارکت‌کننده مشاور افزود: «یک دختر نوجوان با یک آقا ازدواج می‌کند که میانه عمرش است، متوسط سن را دارد، یک مرد سی ساله. کاش یک قانونی باشد که جلوی این ازدواج‌ها را بگیرد، اساساً جلوی ازدواج زودهنگام را بگیرد. ازدواج زیر ۱۸ سال که نه، زیر ۲۰ سال را بگیرند، حداقل اجازه بدهند دختر دیپلمش را بگیرد.» یا «آن دانش‌آموزان متأهل را هم باید اداره چاره‌اندیشی کند. می‌گوید هنرستان، مگر هنرستان مدرسه نیست؟ چنان بچه‌های معصومی دارند که همین بچه‌های متأهل می‌آیند و رویه زندگی آن‌ها را تغییر می‌دهند.» (معاون هنرستان).

۲. رویکردهای دوگانه و متناقض: مشارکت‌کنندگان بارها به پیام‌های ناهمگون و سیاست‌های متعارض اشاره کردند؛ به طوری که بعضاً یک روز بخشنامه حمایت از دانش‌آموزان متأهل صادر می‌شود و روز دیگر بار مسئولیت آنان تنها بر دوش مدیران مدرسه گذاشته می‌شود. این سردرگمی و فقدان وحدت رویه، موقعیت مدیریتی مدارس را تضعیف و مداخله اثربخش را دشوار کرده است: «یک روز بخشنامه می‌آید که بچه‌های متأهل را تحت حمایت مدرسه نگه داریم، روز دیگر از طرف آموزش و پرورش می‌گویند مسئولیتش با خودتان است». یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت: «بحث سیاست‌های دوگانه هم هست، برای مدرسه ما پوستر [فرزندآوری] نیآورده بودند ولی اگر می‌آوردند هم من اجازه نمی‌دادم، مدرسه جای این جور چیزها نیست. وقتی مسئول اداره می‌آید صحبت می‌کند و توصیه می‌کند که بچه‌ها ازدواج نکنند، من چه کار می‌توانم بکنم؟! دیگر برای من جای صحبت باقی نمی‌ماند. نمی‌توانم، به دانش‌آموز چی بگویم به اولیا، چه بگویم. وقتی خودش می‌گوید ازدواج کن، عقدت را خودم می‌خوانم. این مسائل وجود دارد... الان دیگر ممنوعیت ورود این دانش‌آموزان وجود ندارد، حتی من خودم پیگیر شدم گفتند تو چه حقی داری که این بچه متأهل را ثبت‌نام نکنی.» و «گاه سیاست کلان با نیاز مدارس در تناقض آشکار است... دستورالعمل‌ها یکی نیست... متناقضه» (مدیر دبستان). یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان بیان کرد: «از یک طرف می‌گویند ازدواج زودهنگام را کمتر کنیم، از طرف دیگر می‌گویند که جوانی جمعیت باشد. سیاست‌گذار از دید خود به قضیه نگاه می‌کند، ابعاد دیگر را در نظر نمی‌گیرد و نمی‌داند تبعات آن برای یک مدرسه چه می‌تواند باشد.» (معاون هنرستان) یا این نقل قول صراحتاً به سردرگمی در سیاست‌ها و رویکرد نهادهای مختلف و مرتبط دارد: «اداره خودش بودجه‌ای در نظر نمی‌گیرد، نهایت رنگ‌کار فرستاده است، اما در تلویزیون مدام این بخشنامه را اعلام می‌کند که کمک به مدرسه گرفتن توسط مدیران جرم است و نباید اتفاق بیفتد غیرقانونی است. خب این با آن که هماهنگ نیست، نه خودش هزینه می‌دهد نه اجازه می‌دهد که کمک به مدرسه انجام گیرد» (مدیر دبیرستان) و دیگری اضافه می‌کند: «همین خود صداوسیما هم مهم هست، می‌تواند به راحتی اولیا را توجیه کند که هر چقدر با مدرسه هماهنگ‌تر باشند، همان اندازه بیشتر به نفع بچه‌هایشان هست».

۳. فقدان حمایت نهادی و مالی: دست‌اندرکاران مدارس حاشیه‌شهر و روستایی اذعان داشتند که برای مقابله با تبعات ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان، دسترسی به هیچ‌گونه بودجه یا حمایت نهادی ویژه‌ای ندارند و بودجه تخصیص‌یافته، همان بودجه عادی سایر مدارس است. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «ما مثل همه مدارس فقط بودجه عادی داریم و برای دانش‌آموزان متأهل یا آسیب‌دیده، هیچ امکانات بیشتری اضافه نمی‌شود». دیگری چنین بیان کرد: «حتی مواردی هم وجود دارد که مدیر مدرسه باید پاسخگوی اداره باشد که چرا مثلاً فلان دانش‌آموز که ازدواج کرده ثبت‌نام نکرده‌است، در حالی که ممکن است بعضی از خانواده‌ها بگویند که به خاطر بچه‌های ما آن دسته از دخترانی که در مدرسه ازدواج کردند در مدرسه نام‌نویسی نکنند، ولی مدیر نمی‌تواند چنین کاری بکند چون باید به اداره جوابگو باشد» (مدیر). به گفته مشارکت‌کننده دیگری: «شعار حمایت می‌دهند ولی در عمل هیچ تصمیم جدی یا بودجه ویژه وجود ندارد؛ همه مشکلات سر ما خراب می‌شود... مدرسه خرج دارد، اداره کمک نمی‌کند، ما با هزار مشکل مدرسه را اداره می‌کنیم».

مضمون اصلی دوم: کاستی‌های عملکردی و ساختاری مدرسه

این مضمون به مجموعه‌ای از چالش‌های بنیادی و ساختاری مدارس در مواجهه با پدیده ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان اشاره دارد، نبود دستورالعمل روشن، کمبود خدمات مشاوره‌ای، عدم تناسب محتوای کتاب‌ها با چالش‌های روز، و اثر فضای فیزیکی و موقعیت جغرافیایی، مجموعاً مدارس را در برابر پدیده ازدواج زودهنگام آسیب‌پذیر ساخته است.

۱. مدیریت دانش‌آموزان متأهل: مدارس فاقد برنامه مدون یا کلاس مجزا برای دانش‌آموزان متأهل‌اند و همین مسئله موجب انتقال نگرش و تجربه به دانش‌آموزان مجرد و الگوسازی منفی شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند: «باید آموزش و پرورش ترفندی به کار برد که این نامزدها در مدرسه حضور نداشته باشند، از مدارس عادی به مدارس شبانه بروند، به مدارس آموزش از راه دور بروند، قرار نیست مانع تحصیل شوند، اما با شرکت در این مدارس هم می‌تواند به ازدواجش برسد و هم این که درسش را ادامه دهد، بهتر هم این است» و دیگری می‌افزاید: «قبلاً دانش‌آموزان متأهل کلاس جدا داشتند یا به مدارس شبانه‌روزی می‌رفتند، الان همه باهم هستند، هیچ تمایزی نداریم... همین باعث الگوسازی میشه» (معاون هنرستان).

۲. ناراضی‌ت و انفعال بدنه آموزش: معلمان و کارکنان به دلیل ناراضی‌ت شغلی و بعضاً عدم تعهد حرفه‌ای، نبود حمایت کافی و ابزارهای کنترلی، انگیزه کمی برای مقابله با این آسیب دارند و در عمل منفعل شده‌اند. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید: «وقتی هیچ تندی، هیچ انضباطی، هیچ قانونی وجود نداشته باشد ما هم هیچ ابزاری برای کنترل بچه‌ها نداریم. بدتر اینجا هست که بعضی از خانواده‌ها هم می‌روند به اداره و شکایت مدیر را می‌کنند... اداره و سازمان پشت ما نیست.» و «بچه‌ها راهنمایی درستی دریافت نمی‌کنند... معلم انگیزه ندارد... چون به لحاظ مالی و شغلی ناراضی هستند البته این دلیل نمی‌شود، اما بالاخره تاثیرش را می‌گذارد» (معلم دبیرستان). دیگری چنین اضافه می‌کند: «در انتخاب معلمان باید خیلی دقت شود... معلمان متعهد، جوان و پرانگیزه سرکار بیایند واقعا دغدغه بچه‌ها را داشته باشند».

۳. کمبود خدمات مشاوره‌ای و حمایتی: کاستی یا نبود مشاوران آگاه و خدمات حمایت روان‌شناختی کافی، دانش‌آموزان را در معرض آسیب‌های متعدد رها کرده است. مشارکت‌کنندگان اینگونه بیان داشته‌اند: «مدرسه هم نقش زیادی دارد، خانواده، اولیای مدرسه، معلم‌ها، مشاور مدرسه خیلی خیلی مهم هستند. متأسفانه در دوره راهنمایی (متوسطه اول) ما مشاور داریم، ولی در دوره دبیرستان، دوره دوم مشاور نداریم، نه در مدرسه ما، در هیچ کدام از مدارس دوره دوم مشاور ندارد. دوره اول دارد و مشاور تحصیلی هست، نه مشاور خانواده، نه مددکار داریم، نه مشاور داریم، ولی مدیر و معلم شده که خودشان با بچه‌ها صحبت بکنند ولی آنها که مشاور نیستند، اما سایشان را می‌کنند، می‌شود بچه را جذب مدرسه کرد» یا «ما هفته‌ای سه ساعت مشاور داشتیم. می‌دانید اصلاً یک عامل همین کمبود مشاور در مدرسه است... برای چند نفر سه ساعت در هفته کافی است؟» (مدیر) و «در دبیرستان اصلاً مشاور نداریم... بعضاً هم مشاوران کاربلد نیستند.» یا «اگر می‌خواهیم نتیجه بگیریم باید روانشناسان متبحر و خبره بیاورند... نه یک جلسه که چندین جلسه... همیشه در دسترس باشد».

۴. محدودیت محتوای آموزشی: کتاب‌های درسی پاسخگوی مسائل واقعی و مهارت‌های مورد نیاز نوجوانان برای زندگی و مواجهه با بحران‌های مختلف مانند ازدواج زودهنگام یا مسائل ازدواج و کودک‌همسری نیستند. مشارکت‌کننده‌ای می‌گوید:

«کتاب‌های درسی به درد زندگی واقعیشان نمی‌خورد... ما به بچه‌ها باید زندگی بیاموزیم، نشاط بیاموزیم، محیط مناسب ایجاد بکنیم... یک آشنایی ساده می‌تواند برای بچه‌ها کلی خاطره‌انگیز باشد و در عین حال به درد زندگیشان بخورد» (معلم). مشارکت‌کننده دیگری با اشاره به حاشیه رفتن آموزش، اینطور ادامه می‌دهد: «انگار یک سری مسائل به آموزش و پرورش تحمیل شده است، چیزهایی که اصلاً ربطی به مدرسه ندارد و این باعث شده که درس بچه‌ها فرع واقع شود و در اولویت قرار نگیرد... به هر حال رسالت اصلی مدرسه مورد فراموشی قرار گرفته است و درس خواندن دیگر در اولویت نیست» (مشاور).

۵. محیط فیزیکی و فضای بانشاط مدرسه: فضای بدون نشاط، افسرده، حاشیه‌ای یا فرسوده بودن مدارس، انگیزه استمرار تحصیل را کاهش داده و احتمال ترک تحصیل را بالا می‌برد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اینطور بیان می‌کند: «محیط خیلی تأثیرگذار است. اگر یک محیط آرامش‌بخش و مفرح باشد خیلی در انگیزه و شوق و شور تحصیلی بچه‌ها تأثیرگذار است...» (مشاور)، یا «دانش‌آموز داریم که تا سال گذشته در مدرسه غیرانتفاعی بوده، ولی امسال به مدرسه خودمان برگشته و این به خاطر شاداب‌سازی محیط مدرسه بوده...» (مدیر)، و «مدرسه اگر آشفته باشد، انگیزه‌ای برای ماندن ندارد... من خودم پارسال که به این مدرسه آمدم... مدرسه خیلی وضعیت داغونی داشت. امسال خیلی فرق کرده، هزینه کردیم حتی آن فردی که پرچم مدرسه را می‌آورد فکر کرد که مدرسه را اشتباهی آمده است» (مدیر) و دیگری می‌گوید: «چطور دوست داریم خانه ما قشنگ و زیبا باشد، مدرسه هم همانگونه است... بالاخره بچه‌ها چند ساعت از روز را در محیط مدرسه هستند... برای برخی از بچه‌ها مدرسه پناه است، محیط خانه آنقدر آشفته است که از آن فرار می‌کند ولو یک ساعت... کجا بهتر از مدرسه» (مدیر).

۶. موقعیت و ساختار مدرسه: مجتمع و مختلط بودن، مجاورت، روستایی یا حاشیه‌ای بودن مدرسه از عوامل دیگری است که در شکل‌گیری و تداوم ازدواج زودهنگام از عوامل مورد توجه محسوب می‌شوند. در این باره، مشارکت‌کننده‌ای بیان داشت: «بین مقاطع مختلف ترکیب کردن مدارس اصلاً خوب نیست... در مدارس حاشیه‌شهر، حاشیه مثل اینجا یا در مدارس روستایی، وقتی چنین وضعیتی وجود دارد و تعداد دانش‌آموز کم است ناگزیر می‌شوند مدارس را در هم ادغام بکنند که خودش مشکل‌ساز است... وقتی سن و سال بچه‌ها باهم تفاوت زیادی دارد، حرف‌ها و رفتارشان نیز تفاوت خواهد کرد» (مدیر) یا دیگری اینطور اضافه کرد: «محدوده مدرسه ما هم طوری است که حتی مدارس دبیرستان پسرانه علاوه بر مدارس ابتدایی پسرانه در اطراف زیاد هست» (معاون) و «مدارس مختلط... مشکلات دوچندان می‌شود... بچه‌ها از همان کودکی به هم عادت می‌کنند و همین‌ها بعداً خودش عامل می‌شود. من بر حسب تجربه خودم از مناطق مختلف می‌گویم که در مدارس مختلط تدریس داشتیم. وقتی مدرسه مختلط می‌شود مشکلات دوچندان می‌شود. من در نیروگاه هم بودم و مدرسه آنجا هم مختلط است و آنجا هم این وضعیت برقرار است. یک دانش‌آموز کلاس ششم بود آنجا که با دانش‌آموز پسر کلاس اول (متوسطه) ازدواج کرده بود» (مدیر).

مضمون اصلی سوم: عوامل اجتماعی و هنجاری

در این مضمون، نقش عوامل اجتماعی، هنجاری و شبکه‌های روابط فردی و جمعی در تسریع، عادی‌سازی و حتی تشویق پدیده ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان در مدارس نشان داده شده است.

۱. انتقال تجربیات و اثرگذاری متأهلین: بررسی روایات مصاحبه‌ها نشان داد که دانش‌آموزان متأهل با به اشتراک‌گذاری جزئیات زندگی مشترک، رفتارها و حتی پوشش خاص خود، نه تنها تجربه ازدواج را عادی جلوه می‌دهند بلکه با تشویق ضمنی، نگرش و تمایل به ازدواج زودهنگام را در میان سایر دانش‌آموزان تقویت می‌کنند. همان‌طور که مشارکت‌کنندگان بیان داشته‌اند: «نمی‌گویم آن دختر همه مدرسه را به سوی خودش می‌کشد، شاید هم بتواند ولی با اطمینان می‌توانم بگویم که حداقل کلاس خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اولیا می‌آیند و می‌گویند بچه ما در خانه می‌آید و می‌گویند که من هم می‌خواهم آن شرایط را داشته باشم و آن‌طور رفتار کنم، آن‌گونه لباس بپوشم. در واقع، این بچه‌های متأهل مشوقی می‌شوند برای سایر بچه‌ها که زودتر ازدواج کنند» (مدیر). مشارکت‌کنندگان تأکید می‌کنند که «کودک‌همسران با تعریف کردن زندگی و اتفاقات دوره نامزدی بچه‌های دیگر را هم تشویق می‌کند که زودتر ازدواج کنند، هرچه باشد در سن و سال نوجوانی هستند و این تجربیات برایشان تازه و جالب است، دختر بچه هستند، تشویق می‌شوند، می‌خواهند که آن‌ها هم آن را تجربه کنند. صحبت‌ها، لباس‌ها و رفتارهای متأهلین الگوی منفی برای دانش‌آموزان مجرد است» (معاون).

۲. تغییر هنجار مدرسه: افزایش آمار دانش‌آموزان متأهل در مدرسه، به تدریج باعث تغییر عرف و کاهش حساسیت نسبت به پدیده ازدواج زودهنگام شده است. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که در برخی موارد، مدیریت مدرسه برای حفظ مدرسه یا کمک به دانش‌آموز، ترک تحصیل یا غیبت دانش‌آموزان ازدواج کرده را مخفی می‌کند یا در گزارش‌دهی دقت لازم را به عمل نمی‌آورد: «بعضاً معلم‌ها به دانش‌آموز کمک می‌کنند که حداقل بتواند مدرک نهم را بگیرد» (معاون) یا «خیلی شده است که ملاحظه بچه‌های متأهل را بکنیم، به خاطر مراسمات مختلف غیبت‌های زیادی می‌کنند و از درشان عقب می‌افتند، اما... چه می‌شود کرد، این بهتر از ترک تحصیل هست» (مدیر). همچنین، مشارکت‌کننده دیگری تأکید کرد: «مویشان رنگ شده است، مش دارد، انگشترشان در دست است... مثلاً می‌گوید که عروسی خواهر شوهرم است، چه انتظاری هست که موی خودم را رنگ نکنم؟! و خب از مقنعه معلوم است» (مدیر) و «این قضیه کم‌کم برای دانش‌آموزان و حتی کارکنان طبیعی می‌شود و حساسیت عرفی از بین می‌رود» (مدیر). تقریباً تمام مشارکت‌کنندگان اذعان دارند که «حضور متأهلین، خریده‌ها، مهمانی‌ها و حرف‌هایشان فضای مدرسه را تغییر داده است».

۳. تأثیر روابط فAMILI: نقش روابط خویشاوندی، به ویژه در مدارس روستایی و حاشیه‌ای، در ترویج و الگوسازی ازدواج زودهنگام بارز است. شبکه گسترده فامیل و تأثیرگذاری جمعی، نه تنها کنترل مدرسه را دشوار ساخته بلکه روند تکرار ازدواج زودهنگام را تقویت می‌کند: «در روستا تقریباً همه فامیل هم هستند و اگر یک نفر ازدواج کند، الگوی بقیه می‌شود» (مدیر) یا «اینجا [مدرسه حاشیه‌ای] تقریباً یک ده بزرگ هست و همه با هم به نوعی فامیل هستند، اکثراً بین خودشان ازدواج می‌کنند» (مدیر) و «اکثراً همه با هم فامیل هستند همین مدرسه‌ای ما چند اسم فامیلی بیشتر ندارد چرا؟ به خاطر این که همه با هم فامیل هستند و همه در جریان زندگی هم هستند» (مدیر).

۵. بحث

ازدواج زودهنگام به ازدواج زیر ۱۸ سال اطلاق می‌شود که با وجود توسعه‌یافتگی آذربایجان شرقی، همچنان در میان دختران این استان شیوع بالایی دارد. این پژوهش کیفی با روش تحلیل مضمون، اثر حضور دانش‌آموزان ازدواج کرده در مدرسه را بررسی کرده و نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان در مدرسه صرفاً یک مشکل فردی نیست و مسئله‌ای ساختاری و ناشی از ضعف‌های راهبردی، اجرایی و فشار هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شود.

نخستین مضمون اصلی به نقش راهبردهای آموزشی شامل مقررات و منابع حمایتی در تداوم ازدواج زودهنگام اشاره دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد نبود قوانین و مقررات جامع و حمایت نهادی منسجم، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و روستایی تبریز، بستر استمرار ازدواج زودهنگام را فراهم کرده است. خلأ قانونی در منع ازدواج زیر ۱۸ سال و نبود الزام قانونی برای تحصیل تا پایه دوازدهم، یکی از عوامل کلیدی این وضعیت است. اگرچه ماده ۶۹ آیین‌نامه اجرایی مدارس مصوب شورای عالی آموزش و پرورش (۱۴۰۰) به ادامه تحصیل دختران متأهل پرداخته است (Ajourlo and Yarigholi, 2024:65)، اما در عمل به دلیل تعارض بخشنامه‌ها، نبود سیاست‌گذاری یکپارچه و فقدان حمایت مالی و نهادی، مدارس توان مواجهه مؤثر با این پدیده را ندارند. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که فشارهای اجتماعی و فرهنگی از عوامل اصلی ازدواج زودهنگام است و وجود قوانین بازدارنده ملی می‌تواند خانواده‌ها و مدارس را در برابر این فشارها تقویت کند. در غیاب چنین قوانینی، مدارس به‌عنوان نخستین نقطه تماس با دانش‌آموزان متأهل، دچار سردرگمی، انفعال و فرسودگی می‌شوند؛ وضعیتی که در مدارس روستایی به دلیل ضعف نهادهای حمایتی، دوری از مرکز و غلبه هنجارهای سنتی تشدید می‌شود. از نظر آنان، راهکارهایی مانند آموزش‌های جایگزین (مدارس شبانه، کلاس‌های جداگانه یا آموزش از راه دور) می‌تواند مؤثر باشد، هرچند محدودیت‌های ساختاری و مالی تحقق آن را دشوار می‌سازد. علاوه بر این، تضاد میان رسانه‌ها و راهبردهای اجرایی مدارس باعث سردرگمی و تقابل خانواده‌ها و مدارس شده و تلاش‌های آموزشی را کم‌اثر می‌سازد. همچنین اجرای قانون جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، علی‌رغم اهمیت جمعیتی، با چالش‌هایی مواجه است و به اصلاحات اجرایی نیاز دارد تا بتواند از آسیب‌های اجتماعی ناشی از ازدواج زودهنگام میان دانش‌آموزان بیشتر پیشگیری کند.

برآیند تحلیل نشان می‌دهد نظام آموزش و پرورش و قوانین بالادستی هنوز چارچوبی منسجم، الزام‌آور و حمایتگر برای مواجهه با ازدواج‌های زودهنگام فراهم نکرده‌اند. ضعف مقررات و رویکردهای متناقض، به استمرار ازدواج زودهنگام و مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان ازدواج‌کرده دامن زده‌است. این یافته‌ها با نظریه سیستم‌های اجتماعی همخوان است که تأکید می‌کند ضعف در لایه‌های کلان‌سیاستی و فرهنگی، کل نظام‌های خرد و میانی (خانواده و مدرسه) را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Sadownik, 2023:84). ضعف یا نبود سیاست‌ها و نظام‌های حمایتی هماهنگ، موجب بازتولید و عادی‌سازی پدیده ازدواج زودهنگام در همه سطوح اجتماعی می‌شود و مدارس، خانواده‌ها و دانش‌آموزان را در برابر فشارهای اجتماعی بی‌دفاع می‌گذارد. در این میان، منع قانونی ازدواج زیر ۱۸ سال تنها زمانی اثربخش است که با حمایت اجرایی، نظارت قضایی و سیاست‌های اجتماعی مکمل همراه باشد تا بتواند به کاهش پایدار ازدواج‌زودهنگام منجر شود.

مطالعات متعدد بین‌المللی نیز، نشان می‌دهند که ازدواج زیر ۱۸ سال هم به سلامت عمومی و هم به اقتصاد ملی آسیب‌های جبران‌ناپذیر می‌زند (WHO, 2014; World Bank & ICRW, 2017) و بدون مداخله دولت‌ها، حقوق میلیون‌ها کودک نقض می‌شود (UNFPA, 2020; UNICEF, 2023b) و تنها راه حل، تدوین قوانین بدون استثنا و اجرای سخت‌گیرانه آن‌هاست (Plan International, 2021)؛ پژوهش‌های داخلی نیز بر اصلاح، حمایت و اجرای جدی قوانین منع ازدواج زیر ۱۸ سال تأکید دارند (Nobahari, 2020:114; Ahmadi, 2021: 508). شواهد نشان می‌دهد تداوم و الزام تحصیل دختران تا پایان متوسطه، احتمال کودک‌همسری را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد (Walker, 2012: 231; Fitria et al., 2024:1; Suyanto et al., 2023:71). این شواهد نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در قوانین مربوطه است. همچنین، فراوانی دانش‌آموزان متأهل در مدرسه می‌تواند از منظر هنجار آماری، ازدواج زودهنگام را برای سایر دانش‌آموزان، عادی و قابل‌قبول جلوه دهد. بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، مشاهده و الگوپذیری از رفتارهای رایج اجتماعی نقش مهمی در تداوم این پدیده دارد. نبود پیام‌های شفاف و همسو از سوی جامعه، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و نهادهای رسمی، و گاه تأیید ضمنی ازدواج زودهنگام، موجب عادی‌سازی و بازتولید هنجاری آن در میان نسل جدید می‌شود.

مضمون دوم به فرایندهای اجرایی شامل کاستی‌های عملکردی و ساختاری مدرسه در مواجهه با ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان می‌پردازد؛ از جمله نحوه مدیریت دانش‌آموزان متأهل، نارضایتی و انفعال معلمان و مدیران، کمبود خدمات مشاوره‌ای و حمایتی به‌ویژه برای دانش‌آموزان در معرض آسیب، ناکافی بودن محتوای آموزشی برای پاسخ به نیازهای واقعی دانش‌آموزان، و نقش محیط فیزیکی و ساختار مدرسه در تشدید یا تخفیف این مسئله. در تبیین این یافته‌ها، نظریه مدرسه به‌مثابه سازمان یادگیرنده تأکید می‌کند که مدرسه باید محیطی پویا برای رشد و یادگیری مستمر همه اعضا باشد و بر پایه رهبری اثربخش، راهبردهای یادگیرنده‌محور، منابع انسانی متخصص، فناوری اطلاعات و محیط حمایتی شکل گیرد؛ نبود آرمان مشترک، راهبردهای مشخص، ناکارآمدی دروس آموزشی و کمبود نیروهای متخصص، انگیزه تحصیلی را تضعیف کرده و به افت تحصیلی و ترک تحصیل منجر می‌شود (Ershadi, 2021:96). شواهد پژوهشی نشان می‌دهد بی‌علاقگی به مدرسه، افت تحصیلی، ترک تحصیل و عملکرد آموزشی ضعیف دختران، احتمال ازدواج زودهنگام را افزایش می‌دهد، در حالی که حضور مستمر در مدرسه و موفقیت تحصیلی نقش بازدارنده در برابر ازدواج کودکان دارد (Ahmadi, 2021:508; Enayat and Zare, 2023:158; Afrasiabi et al., 2024:52; Delprato et al., 2015:42). همچنین، فقر به‌عنوان عامل و پیامد اصلی ازدواج کودکان شناخته می‌شود (Ahmadi, 2021:163) و در خانواده‌های فقیر به‌دلیل فقدان انگیزه و منابع کافی برای سرمایه‌گذاری آموزشی، شیوع بیشتری دارد؛ از این‌رو تحصیلات به‌عنوان عامل محافظتی در برابر ازدواج کودکان مطرح است (Pourtaheri et al., 2023: 2).

کمبود منابع انسانی متخصص مانند مشاوران و روان‌شناسان آموزش‌دیده، توان واکنش مدرسه به ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان را تضعیف می‌کند، در حالی که ارائه فعال خدمات مشاوره‌ای، آموزش مهارت‌های زندگی و حمایت روانی-اجتماعی می‌تواند از طریق افزایش آگاهی، تغییر نگرش و توانمندسازی دانش‌آموزان، به کاهش ازدواج زودهنگام بینجامد (Rumble et al., 2018: 407). آموزش مطلوب با ارتقای دانش، مهارت‌ها، اعتمادبه‌نفس و توان تصمیم‌گیری، زمینه انتخاب‌های آگاهانه‌تر در حوزه سلامت، رفاه و روابط سالم را فراهم می‌سازد (Alibazi et al., 2023: 170). افزون بر این، همان‌طور که یافته‌های پژوهش حاضر

نشان می‌دهد، شرایط درونی و بیرونی مدرسه مانند فضای بی‌نشاط، مختلط و مجتمع بودن مدارس، موقعیت نامناسب آن و همجواری با مدارس پسرانه به‌ویژه در مناطق روستایی و حاشیه‌ای، همراه با کمبود امکانات آموزشی و بسترهای امن تحصیل برای دختران، موجب می‌شود ترک تحصیل گزینه‌ای کم‌هزینه‌تر تلقی شده و در نهایت ازدواج زودهنگام به‌عنوان انتخابی مطلوب در نظر گرفته شود (Majdi et al., 2023:197).

مضمون سوم بر تعاملات آموزشی شامل عوامل اجتماعی و هنجاری مؤثر بر ازدواج زودهنگام دانش‌آموزان تأکید دارد و نشان می‌دهد حضور دانش‌آموزان متاهل در مدرسه می‌تواند با ایفای نقش الگو، کاهش حساسیت اجتماعی و تضعیف هنجارهای مدرسه، به ترویج ازدواج زودهنگام بینجامد. این پدیده با تکیه بر نظریه یادگیری اجتماعی بندورا قابل تبیین است؛ به‌گونه‌ای که مشاهده الگوهای رفتاری و پیامدهای آن‌ها در محیط مدرسه، به یادگیری، تکرار و بازتولید ازدواج زودهنگام توسط سایر نوجوانان منجر می‌شود و حضور دانش‌آموز ازدواج‌کرده به‌عنوان الگوهای زنده، انتقال نگرش و رفتار متاهلی به نسل‌های بعد را تسهیل می‌کند. شواهد پژوهشی نیز، بر چالش‌های متعدد تحصیلی (Enayat and Zare, 2023: 135) و انزوا و مشکلات اجتماعی گسترده کودک‌همسران دلالت دارد (Afshari et al., 2024:23; Ghareh hasanlou F, khosh sorat movafagh, 2024:229; Majdi et al., 2023:197). ازدواج زودهنگام علاوه بر افت عملکرد تحصیلی و افزایش ترک تحصیل، با پیامدهای منفی گسترده‌تری همراه است؛ به‌گونه‌ای که حضور دانش‌آموز متاهل در مدرسه موجب تأثیر منفی بر سایر دانش‌آموزان، اختلال در نظم آموزشی و در برخی موارد اخراج آنان می‌شود (Hosseinpour et al., 2022)؛ متقابلاً شواهد بین‌المللی نشان می‌دهد تداوم تحصیل با کاهش ازدواج کودکان همراه است (Field & Ambrus, 2008: 881) و توانمندسازی دختران و تغییر نگرش‌های اجتماعی، زمینه را برای تأثیرگذاری آن‌ها بر سایر دختران و کاهش ازدواج کودکان فراهم می‌کند (Warner et al., 2013).

بر اساس نظریه هنجارهای اجتماعی، رفتار افراد متأثر از هنجارهای توصیفی و تجویزی است (Afshari and Khosravi, 2024:23)؛ به‌گونه‌ای که رواج یک رفتار و پذیرش اجتماعی آن، احتمال تبعیت فرد را افزایش می‌دهد (Surtichi et al., 2024:3). در جوامعی که ازدواج زودهنگام دختران به‌عنوان هنجار غالب پذیرفته شده است، فشار اجتماعی برای هم‌سویی با این الگو تشدید می‌شود و ازدواج در سنین پایین به‌مثابه رفتاری پسندیده برای حفظ عفت، انسجام خانوادگی یا ارتقای جایگاه اجتماعی تلقی می‌گردد (هنجار تجویزی). گسترش این رفتار (هنجار توصیفی)، به‌ویژه در جوامع کوچک و روستایی با شبکه‌های خویشاوندی بسته، به عادی‌انگاری و بازتولید ازدواج زودهنگام انجامیده و با ترس از طرد یا سرزنش اجتماعی، احتمال تأخیر در ازدواج را کاهش می‌دهد؛ امری که با یافته‌های بین‌المللی همسو است (Abdurahman et al., 2023:1). افزون بر این، بر اساس نظریه انتقال فرهنگی ارزش‌ها، انتقال هنجارها و باورها مانند مشروعیت ازدواج زودهنگام از طریق آموزش و یادگیری اجتماعی، چه در خانواده و مدرسه و چه از طریق مشاهده و تقلید، صورت می‌گیرد؛ بویژه اینکه در فضاهای فرهنگی محدود و شبکه‌های خویشاوندی بسته که در محیط مدرسه نیز تکرار می‌شود، مواجهه با دیدگاه‌های متفاوت کاهش یافته و تکرار رفتار جمعی، با بازخوردهای مثبت تقویت می‌شود. این فرآیند منجر به آن می‌شود که ازدواج زودهنگام به تدریج عادی، مشروع و هنجاری نهادینه‌شده در فرهنگ اجتماعی و حتی نظام‌های آموزشی تبدیل گردد.

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حضور دانش‌آموزان با ازدواج زودهنگام در مدارس تبریز پدیده‌ای چندلایه و متأثر از عوامل نهادی، راهبردی و اجرایی، محتوای آموزشی، عملکرد کادر و مدیریت، موقعیت و فضای فیزیکی مدرسه است. ضعف مقررات آموزشی و قوانین حمایتی، ناهماهنگی سیاست‌ها و کمبود منابع تخصصی، به‌ویژه در مناطق روستایی و حاشیه‌ای، موجب آسیب‌پذیری بیشتر مدارس شده و گاه مدرسه، معلمان و محتوای درسی به‌طور ناخواسته در عادی‌سازی ازدواج زودهنگام نقش ایفا می‌کنند. شرایط نامناسب و بی‌نشاط مدارس، مختلط و مجتمع بودن و مجاورت با مدارس پسرانه، همراه با فشار شبکه‌های خویشاوندی، همسالان و فرهنگ غالب، فشار اجتماعی را تشدید کرده و در غیاب حمایت قانونی از تحصیل دختران، مدارس و خانواده‌ها را در موقعیت ضعف قرار می‌دهد؛ امری که علاوه بر دانش‌آموز ازدواج‌کرده، سایر دانش‌آموزان را نیز تحت‌تأثیر قرار

می‌دهد. از این رو، تقویت حمایت نهادی و مدیریت مدرسه، بازنگری در محتوای آموزشی و مقررات آموزشی - تحصیلی و توانمندسازی معلمان، پیش‌نیازهای اساسی کاهش ازدواج زود هنگام و ارتقای آموزش دختران است.

۷. پیشنهادها

باتوجه به یافته‌های پژوهشی، پیشنهادهای کاربردی زیر مطرح هستند:

۱. تقویت قانون و حمایت جدی: تعیین حداقل سن ازدواج ۱۸ سال با ضمانت اجرا و حمایت قانونی از ادامه تحصیل تا پایان متوسطه دوم.
۲. منابع انسانی متخصص: جذب مشاوران و روان‌شناسان آموزش‌دیده، خصوصاً در مناطق آسیب‌پذیر.
۳. بازنگری آموزشی: اولویت‌بخشی به آموزش، جذابیت و کاربردی‌سازی دروس، آموزش مهارت‌های زندگی و تمرکز ویژه بر توانمندسازی دختران، مشاوره‌های اثربخش.
۴. بهسازی محیط مدرسه: نشاط‌بخشی فضاها، امکانات ورزشی و فوق‌برنامه، و لباس فرم مناسب برای تقویت هویت و احساس تعلق.
۵. جداسازی فضاها: استقلال مدارس دخترانه و جلوگیری از مجاورت یا اختلاط با مدارس پسرانه، همراه با استانداردهای امنیتی.
۶. پرهیز از مجتمع‌سازی: جداسازی مقاطع و حذف فضاهای مشترک برای آرامش روانی و پیشرفت دانش‌آموزان.
۷. توانمندسازی مدیریت و معلمان: آموزش تخصصی درباره حقوق کودک و پیشگیری از ترک تحصیل و ازدواج زود هنگام، انتخاب نیروهای متعهد و بهبود شرایط شغلی.
۸. هماهنگی سیاستی: یکپارچگی و هماهنگی سیاست‌گذاری‌های آموزشی در سطوح مختلف برای حمایت مؤثر از تحصیل دختران.
۹. فرصت‌های تحصیلی جایگزین: مدارس شبانه و جداگانه، آموزش از راه دور یا کلاس‌های مجزا برای دانش‌آموزان ازدواج کرده به منظور ادامه تحصیل و کاهش اثر الگوگیری.
۱۰. مداخلات جامعه‌محور: بهره‌گیری از نهادهای مدنی، رسانه‌ها و رهبران محلی برای تضعیف هنجارهای تسهیل‌کننده و ترویج الگوهای مثبت.

در عین حال، پژوهش مبتنی بر داده‌های کیفی و مصاحبه در مدارس شهری و روستایی تبریز بوده، با محدودیت‌های تعمیم‌پذیری، احتمال خودسانسوری مشارکت‌کنندگان و تمرکز بر دیدگاه کادر مدرسه مواجه است و نیازمند تکمیل با نظرات دانش‌آموزان با ازدواج زود هنگام و خانواده‌های آنان است.

۷. تعارض منافع

در انجام این پژوهش، هیچ‌گونه تعارض منافع وجود ندارد. داده‌های مورد استفاده در این مقاله برگرفته از بخشی از داده‌های یک طرح پژوهشی استانی است که با حمایت سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی (۱۴۰۴) اجرا شده است.

References

- Abbasi, B. (2023). *Examining the importance of child marriage and its relationship with girls' school dropout in the education system*. In Proceedings of the Second National Conference on Family and School Studies (Bandar Abbas, Iran). Retrieved from <https://civilica.com/doc/2190531> (In Persian)
- Abbaszadeh, M., Alizadeh Aghdam, M., & Malekzadeh Dizaj Cheraghi, B. (2025). Perceiving the physical and psychological consequences of child marriage and strategies adopted by the child

- spouses. *Quarterly Journal of Women and Society*, 15(60), 156-171. <https://doi.org/10.71801/jzv.2025.1175550> (In Persian)
- Abdurahman, D., Assefa, N., & Berhane, Y. (2023). Adolescent Girls' Early Marriage Intention and its Determinants in Eastern Ethiopia: A Social Norms Perspective. *Sage Open*, 13(2). <https://doi.org/10.1177/21582440231182352> (Original work published 2023)
- Afrasiabi, H. , Mansouri Khosravi, H. and Baarluoei, M. (2024). Qualitative Inquiry of Contexts and Lived Patterns of Child Marriage from the Point of View Young Women. *Journal of Woman and Family Studies*, 12(3), 49-73. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2024.44148.2993> (In Persian)
- Afshari, M. , Khazaei, S. , Amiri, J. , Khalaji, J. and Afsar, A. (2024). Factors Affecting Early Marriage and its Health Consequences in Women under 18 in Migrant City: A Mixed Research. *Qualitative Research in Behavioral Sciences (QRBS)*, 2(2), 15-26. <https://doi.org/10.22077/qrebs.2024.7184.1027> (In Persian)
- Afshari, Z. and Khosravi Nejad, N. (2024). The Interaction of Globalization and Gendered Social Norms in Explaining Gender Inequality in Higher Education in Selected Countries. *Social-Economic Development Studies*, 2(1), 23-44. <https://doi.org/10.22051/ijosed.2025.51137.1057> (In Persian)
- Ahmadi, K. (2021). The resonance of silence: A comprehensive study of child marriage in Iran. *Applied Family Therapy Journal*, 2(2), 508-527. <https://ensani.ir/file/download/article/1671522631-10337-6-7.pdf> (In Persian)
- Ahmadi, K. (2021). The feminization of poverty: Causes and consequences; so-called "child marriage" in Iran. *Journal of Psychology, Social Sciences and Educational Sciences*, 5(2), 163-177. <http://tajournals.com/archive/psychology/1400/summer/13.pdf> (In Persian)
- Ahmadi, S., Vakil, M., & Rezaei, A. (2015). Study of precocious marriage in provinces of Iran during the years 2006-2011. *Population Quarterly*, 22(93), 81-94. https://www.population-journal.ir/article_229918.html (In Persian)
- Ajourlo, N., & Yarigholi, B. (2024). Analyzing the Educational Challenges of Early Marriage: A Meta-Synthesis Study. *Journal of Woman Cultural Psychology*, 16(62), 61-73. <https://doi.org/10.61186/iau.1189102> (In Persian)
- Alaei, P. (2025). *A phenomenological Study of the Academic Problems of Female Students with Early Marriage and Providing Solutions to Reduce it*. East Azarbaijan Provincial Department of Education, Deputy for Research, Planning, and Resource Development, Research and Study Unit. (In Persian)
- Alamdo, A. G., Manu, A., & Kotoh, A. M. (2025). Impact of child marriage on adolescents' health and socioeconomic development: An essay on Ethiopian perspective. *Pan African Medical Journal*, 51(84). <https://doi.org/10.11604/pamj.2025.51.84.36033>
- Alibazi, H. , Zarei, E. and Mohammadi, K. (2023). Women's Lived Experience of the Consequences of Child Marriage; A Qualitative Phenomenological Study. *Family Counseling and Psychotherapy*, 12(2), 147-176. <https://doi.org/10.22034/fcp.2023.62736> (In Persian)
- Ashayeri, T. , Jahanparvar, T. and Ashtari-Mehrjerdi, A. (2024). Determinants and Consequences of Early Marriage: A Meta-Synthesis. *Journal of Population Association of Iran*, 19(37), 133-178. <https://doi.org/10.22034/jpai.2024.2008687.1306> (In Persian)
- Azadeh, M. A. and Arami, S. (2016). A Study on Gender Socialization and Behavior in social dilemma. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 14(1), 7-39. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2016.2331> (In Persian)
- Azimi, K. (2020). The trend of girl child marriage in Iran based on national census data. *Sexual and Reproductive Health Matters*, 28(1), 96-98. <https://doi.org/10.1080/26410397.2020.1820655>
- Bagi, M. , Hosseini, H. and Ali Mohammadi, M. (2025). Persistence of Regional Disparities in Female Child Marriage over the Past Two Decades. *Journal of Applied Sociology*, 36(4), 83-102. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.142346.2543> (In Persian)

- Bakhtiar, N., Sari, K. F., & Seman, N. (2024). The impact of early marriage on early childhood parenting among Malay communities. *KINDERGARTEN: Journal of Islamic Early Childhood Education*, 7(1), 33–40. <https://doi.org/10.24014/kjiece.v7i1.28963> (In Persian)
- Bengesai, A., Amusa, L., & Makonye, F. (2021). The impact of girl child marriage on the completion of the first cycle of secondary education in Zimbabwe: A propensity score analysis. *PLOS ONE*, 16(6), e0252413. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0252413>
- Berliana, S., Kristinadewi, P., Rachmawati, P., Fauziningtyas, R., Efendi, F., & Bushy, A. (2018). *Determinants of early marriage among female adolescent in Indonesia*. *International Journal of Adolescent Medicine and Health*, 33. <https://doi.org/10.1515/ijamh-2018-0054>
- Burgess, R. A., Jeffery, M., Odero, S. A., Rose-Clarke, K., & Devakumar, D. (2022). Overlooked and unaddressed: A narrative review of mental health consequences of child marriages. *PLOS global public health*, 2(1), e0000131. <https://doi.org/10.1371/journal.pgph.0000131>
- Charan, I. A., Xin, S., & Soomro, S. (2024). Exploring the child marriage practices and their impact on women's lives in Pakistan: A qualitative analysis. *African Journal of Reproductive Health / La Revue Africaine de La Santé Reproductive*, 28(9), 73–84. <https://www.jstor.org/stable/27332742>
- Delprato, M., Akyeampong, K., Sabates, R., & Hernandez-Fernandez, J. (2015). On the impact of early marriage on school dropout in West and Central Africa. *International Journal of Educational Development*, 44, 42-55. <https://doi.org/10.1016/j.ijedudev.2015.06.001>
- Eftekharzade, Z. (2015). Lived Experiences of Female Victims of Child Marriage. *Journal of Social Work Research*, 2(3), 108-156. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2015.4746> (In Persian)
- Enayat, H., & Zare, H. (2023). Qualitative analysis of the early child marriage experiences in secondary schools in Meimand city. *Social Problems of Iran*. 14(1), 135-162. <https://doi.org/10.61186/jspi.14.1.135> (In Persian)
- Ershadi, R. (2021). Examining the school as a learning organization (learning school). *The Scientific Quarterly Journal of New Research in Education*, 2(2), 86–106. <https://esjournal.ir/fa/paper.php?pid=41> (In Persian)
- Fan, S., & Koski, A. (2022). The health consequences of child marriage: a systematic review of the evidence. *BMC public health*, 22(1), 309. <https://doi.org/10.1186/s12889-022-12707-x>
- Farahmand, M., danafar, F. and Poorebrahimabadi, M. (2021). Analysis of the marital experiences of the spouse's child: Emotional-intellectual and powerless fusion. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 9(17), 115-145. <https://doi.org/10.22084/csr.2021.22142.1833> (In Persian)
- Fataei, M., Motlagh, M., & Aghajani Marsa, H. (2022). Studying the Contexts and Consequences of Child Marriage in Lorestan Province. *The Quarterly Journal of Social Work Research*, 9(32), 105–142. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2022.69173.610> (In Persian)
- Field, E., & Ambrus, A. (2008). Early marriage, age of menarche, and female schooling attainment in Bangladesh. *Journal of Political Economy*, 116(5), 881-930. <https://doi.org/10.1086/593333>
- Fitria, M., Laksono, A. D., Syahri, I. M. M., Wulandari, R. D., Matahari, R., & Astuti, Y. (2024). Education role in early marriage prevention: Evidence from Indonesia's rural areas. *BMC Public Health*, 24, 3323. <https://doi.org/10.1186/s12889-024-20775-4>
- Ghanadan, M., Moti', N., & Sotoudeh, H. (1997). *Sociology: Key concepts* (1st ed.). Tehran: Avaye Noor. (In Persian)
- Ghareh hasanlou F, & khosh sorat movafagh A. (2024). Antecedents, Consequences, and Activism Strategies of Child Marriage Based on Qualitative Meta-Analysis. *Social Problems of Iran*. 15(2), 229-268. <http://dx.doi.org/10.61186/jspi.15.2.229> (In Persian)
- Goli, A., Savab, Z. & Dorzadeh, Y. (2025). Spatiotemporal Analysis of Registered Child Marriage in the Iran Counties (The Case Study: Marriage Data of the National Organization for Civil

- Registration of Iran; 2016 ~ 2021). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 23(2), 84-116. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2025.47948.2901> (In Persian)
- Hajilou, F., Aghayari, T., & Alipour Abdar, F. (2022). The Contextual Causes of Child Marriage (A case study of Women Who Have Child Marriage Experience and Recourse to Health Centers in Tabriz). *Quarterly Journal of Woman and Society*, 12(48), 103-116. <https://doi.org/10.30495/jzvj.2022.28413.3610> (In Persian)
- Harrison, A. (2023). *Child marriage interventions and research from 2020 to 2022: Evidence review*. Child Marriage Research to Action Network (CRANK). Girls Not Brides: The Global Partnership to End Child Marriage; UNFPA–UNICEF Global Programme to End Child Marriage. <https://www.unicef.org/media/136646/file/CRANK-Evidence-Review-Child-Marriage-2023.pdf>
- Heidarabadi, A., Farzaneh, S., & Khosravi, M. (2018). The Effect of Cultural Modernization on Marriage Process and Family Formation of University Students in Golestan Province. *Iranian Population Studies Journal*, 4(1), 73–99. <https://sid.ir/paper/392542/fa> (In Persian)
- Hosseinpour, Z., Zekriaei Juybari, Z., Ghorbaniyan, F., & Nourian Vasoukolaei, Z. (2022). The consequences of child marriage on the psychological and academic lives of female students aged 15–18 in Juybar County (2022). *Proceedings of the Third International Conference on Humanities, Law, Social Studies, and Psychology* (September 19, 2022, Dubai, United Arab Emirates). Arvin Alborz Conference Company. Indexed in CIVILICA (National ID: HLSPCONF03). <https://civilica.com/doc/1537936/> (In Persian)
- Hosseinyfar, M. & akbari, Z. (2020). The study of Social Consequences of Early Marriage on girls' education (case study: Esfarvarin's Girl Students. *Quarterly journal of research in social studies education*, 1(2), 123-146. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.27832279.1398.1.2.7.4> (In Persian)
- Kabiri, A. & Valaei, M. (2025). A Qualitative Study of the Context and Consequences of Child Marriage in Rural Areas of West Azerbaijan Province. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 14(26), 153-178. <https://doi.org/10.22084/csr.2025.29695.2299> (In Persian)
- Khodamoradi, F. & Mirzaei, H. (2025). Behind the Scenes of Early Marriages: Lived Experience of Girls under 18 in Married Life (Saqqez County). *Woman in Development & Politics*, 23(2), 355-388. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2025.391794.1008524> (In Persian)
- Koochi K. (2019). A Survey of Child Marriage in the Country with Emphasis on East Azarbaijan Province. *Child Rights*, 1 (3) :159-127. <http://childrightsjournal.ir/article-1-68-fa.html> (In Persian)
- Lotfi, R.. (2010). Early Marriage Health Consequences in Women. *Journal of Women & Hygiene*, 1(2), 67-79. <https://sid.ir/paper/221855/en> (In Persian)
- Majdi, A.A. , kermani, M. , Baradaran Kashani, Z. and Khedmati, F. (2023). Women's Lived Experience of the Phenomenon of Early Marriage: A Qualitative Study. *Journal of Family Research*, 19(2), 197-215. <https://doi.org/10.48308/JFR.19.2.197> (In Persian)
- Mirhosseini, Z. & Ashouri, S. (2023). Recovering the Socio-Economic Role of Female Academic Entrepreneurs through Small and Medium-Sized Entrepreneurship: A Narrative Research. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 21(2), 7-33. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2023.42182.2698> (In Persian)
- Mortezazadeh, Z. , Azmodeh, M. , Hashemi nosrat abad, T. & Livarjani, S. (2024). Lived Experiences of Spouses' Childrens about Child Spouses and its Issues. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 22(1), 204-241. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2023.42708.2715> (In Persian)
- Mourtada, R., Schlecht, J., & DeJong, J. (2017). A qualitative study exploring child marriage practices among Syrian conflict-affected populations in Lebanon. *Conflict and health*, 11(Suppl 1), 27. <https://doi.org/10.1186/s13031-017-0131-z>

- Naik, G., Behera, J., Patra, D., & Jena, S. K. (2024). Adolescent marriage a violation of sexual and reproductive health rights: Trend, spatial variation and covariate analysis from national family health survey. *Clinical Epidemiology and Global Health*, 25, 101493. <https://doi.org/10.1016/j.cegh.2023.101493>
- Nikkhah, H. A. , Fani, M. & Asgharpour, A. (2017). Students' Attitude Towards Marriage and Factors Affecting It. *Journal of Applied Sociology*, 28(3), 99-122. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085745.1396.28.3.7.9> (In Persian)
- Nobahari, M. (2020). A meta-analysis of studies on child marriage in Iran: Analysis of causes, consequences, and solutions. *Islamic Human Sciences*, 6(1), 114–125. <https://johi.ir/afile/phpnd8fG1.pdf> (In Persian)
- Nosratikhah, N. , Beheshty, S. S. & Mokhtari, M. (2025). Sociological Explanation of Factors Affecting the Prevalence of Child Marriage (Case Study: Dishmok City). *Journal of Applied Sociology*, 36(1), 101-124. <https://doi.org/10.22108/jas.2025.142223.2535> (In Persian)
- Nur, A. A., Amanda, S., Hanifa, F. F., & Ayudiputri, Z. Z. (2024). Determinants of child marriage in Indonesia: A systematic review. *Journal of Community Medicine and Public Health Research*, 5(2), 216–227. <https://doi.org/10.20473/jcmpshr.v5i2.45777>
- Omran Nejad, R. , Hashem zehi, N. , Khabiri, K. , Molla noruzy, K. and Ghadimi, B. (2021). Identifying social, psychological and physiological factors related to the early marriage of girls in Qom a grounded theory. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 19(1), 45-86. <https://doi.org/10.22051/jwsp.2021.33727.2324> (In Persian)
- Plan International. (2021). *Ending child marriage: A policy brief*. Plan International. <https://plan-international.org/publications/ending-child-marriage>
- Pourabbasi, S. , Kord-Zanganeh, J. and Sharifi, M. (2023). Determinants of Women's Early Marriage in Ahvaz District, Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 17(34), 179-206. <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1988905.1267> (In Persian)
- Pourtaheri, A., Tavakoly Sany, S. B., Afzal Aghaee, M., Ahangari, H., & Peyman, N. (2023). Prevalence and factors associated with child marriage: A systematic review. *BMC Women's Health*, 23, 531. <https://doi.org/10.1186/s12905-023-02634-3>
- Rahimi, N. , Ghodrati, H. & Ghodrati, S. (2023). Exploring Women's Experience of Early Marriages: A Study in Titkanlu City, Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 18(35), 57-95. <https://doi.org/10.22034/jpai.2023.1999279.1277> (In Persian)
- Rumble, L., Peterman, A., Irdiana, N., Triyana, M., & Minnick, E. (2018). An Empirical Exploration of Female Child Marriage Determinants in Indonesia. *BMC public health*, 18(1), 407. <https://doi.org/10.1186/s12889-018-5313-0>
- Sabzehei, M. T. & Kokabi Zaker, S. (2024). Reasons, contexts and consequences of early marriage from standpoint of married school girls. *Journal of Social Work Research*, 11(40), 33-82. <https://doi.org/10.22054/rjsw.2025.76158.720> (In Persian)
- Sadownik, A. (2023). *Bronfenbrenner: Ecology of human development in ecology of collaboration*. In A. R. Sadownik & A. Višnjić Jevtić (Eds.), *Re-theorising more-than-parental involvement in early childhood education and care* (pp. 83–95). Springer. https://doi.org/10.1007/978-3-031-38762-3_4
- Safavi, H. S. & Minaei, M. (2015). Lived Experiences of Teenage Girls as Wives: Case Study of Girls' Early Marriage in AranvaBidgol. *Women Studies*, 6(0), 87-106. https://womenstudy.ihs.ac.ir/article_1698.html (In Persian)
- Sattari sefidan jadid, K. , Hajhosseini, M. , Hejazi, E. & RoshanFekr, P. (2023). Challenges and Processe of Marriage Identity Construction in Early Marriage: A Grounded Theory Study. *Journal of Modern Psychological Researches*, 18(70), 97-105. <https://doi.org/10.22034/jmpr.2023.16528> (In Persian)

- Sayyadian Barkhordar, M. & Anbari, M. (2023). Child Wifehood Custom and Inequality in the Formal Education of Rural Girls (Study on the Rurals of Aleshtar City). *Iranian Journal Of Anthropolology*, 19(35), 111-136. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17352096.1401.19.35.5.9> (In Persian)
- Schultz, D. P., & Schultz, S. E. (2000). *Theories of personality* (Y. Seyedmohammadi, Trans., 6th ed.). Tehran: Virayesh. (In Persian)
- Surtichi, T., Ghamari, M., & Hosseinian, S. (2024). Structural model of deviant behaviors based on identity styles and social norms in adolescents. *Applied Research in Behavioral Sciences*, 16(60), 1–18. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/sbq/Article/1205895/FullText> (In Persian)
- Suyanto, B., Sugihartati, R., Hidayat, M. A., Egalita, N., & Mas'udah, S. (2023). The Causes and Impacts of Early Marriage: The Ordeal of Girls in East Java, Indonesia. *Sociologia, Problemas e Práticas*, 101, 71–94. <https://doi.org/10.7458/SPP202310126851>
- Teimouri Arshad, R. , Rezaei, A. & Sadeghi, R. (2023). Prevalence of Early Marriage of Girls and its Determinant Factors in Iranian Counties in 2016. *Journal of Family Research*, 18(4), 599-621. <https://doi.org/10.48308/JFR.18.4.599> (In Persian)
- UNESCO. (2023) .*Child marriage and educational systems worldwide*. UNESCO. <https://www.unesco.org/en/articles/how-marriage-laws-can-contribute-protecting-every-girls-right-education>
- UNFPA, & UNICEF. (2023). *Phase III of the UNFPA–UNICEF Global Programme to End Child Marriage*. United Nations Population Fund (UNFPA) and United Nations Children’s Fund (UNICEF). (2026/2/3). <https://www.unicef.org/media/145651/file/Programme%20document%20.pdf>
- United Nations Population Fund. (2020). *State of world population 2020: Against my will—Defying the practices that harm women and girls*. UNFPA. <https://www.unfpa.org/publications/state-world-population-2020>
- United Nations Children’s Fund (UNICEF). (2023). *Is an End to Child Marriage Within Reach? Latest trends and future prospects*. (2026/2/3). <https://data.unicef.org/resources/is-an-end-to-child-marriage-within-reach/>
- UNICEF. (2025). *Child marriage*. United Nations Children’s Fund. (2026/2/3). <https://data.unicef.org/topic/child-protection/child-marriage/>
- UNICEF. (2023b). *Child marriage: Global progress and prospects*. United Nations Children’s Fund. <https://www.unicef.org/reports/child-marriage-global-progress-and-prospects>
- UNICEF. (2019). *A profile of child marriage and early unions in Latin America and the Caribbean*. United Nations Children’s Fund. https://www.unicef.org/lac/media/8256/file/Profile_of_Child_Marriage_in_LAC.pdf
- Walker, J.-A. (2012). Early Marriage in Africa – Trends, Harmful Effects and Interventions. *African Journal of Reproductive Health*, 16(2), 231-240. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/22916555/>
- Warner, A., Stoebenau, K., & Glinski, A. M. (2013). *More power to her: How empowering girls can help end child marriage*. Washington, DC: International Center for Research on Women (ICRW). <https://www.icrw.org/wp-content/uploads/2016/10/More-Power-to-Her-How-Empowering-Girls-Can-Help-End-Child-Marriage.pdf>
- Working Group of the Joint Inter-Agency Programme to End Child Marriage and Early Unions in Latin America and the Caribbean. (2022). *Child, early and forced marriage and unions: Harmful practices that deepen gender inequality in Latin America and the Caribbean* (Project Documents, LC/TS.2021/186). Economic Commission for Latin America and the Caribbean (ECLAC).
- World Health Organization. (2014). *Preventing early pregnancy and poor reproductive outcomes among adolescents in developing countries*. WHO Press. <https://apps.who.int/iris/handle/10665/42903>

- World Bank, & International Center for Research on Women (ICRW). (2017). *Economic impacts of child marriage: Work, earnings and household welfare brief*. World Bank Group. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/312761498512784050/pdf/116835-BRI-P151842-PUBLIC-EICM-Brief-WorkEarningsHousehold-PrintReady.pdf>
- Zhahirinia, M., & Azadarmaki, T. (2015). Value Orientation and its Relationship with Economical and Social Changes in Bandar Abbas city. *Journal of Studies of Socio-Cultural Development*, 3(3), 135–153. <http://scdsjournal.ir/article-1-176-fa.html> (In Persian)
- Zareei H, & Zarei F.(2021). Causes and Consequences of Early marriage and the Occurrence of Child Marriage in Female Students in Yazd Province: Grounded Theory Study. *TB*, 20 (3):12-27. <http://tbj.ssu.ac.ir/article-1-3180-fa.html> (In Persian)